



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عظیم‌ترین رسالت

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

فضائل و برکات

نماز جمعہ و جماعت

در دنیا و آخرت

محمد جواد مہرزی کرمانشاهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضائل و برکات نماز جمعه و جماعت در دنیا و آخرت : شامل آیات ، روایات ، قصص و حکایات

نویسنده:

محمد جواد مهری

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی انتشاراتی انصاری

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	فضائل و برکات نماز جمعه و جماعت در دنیا و آخرت : شامل آیات ، روایات ، قصص و حکایات
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست مطالب
۲۵	بخش اول: فضائل و برکات نماز جمعه
۲۵	اشاره
۲۷	آثار و برکات نماز جمعه
۳۲	اهمیت نماز جمعه در قرآن
۳۲	اشاره
۳۲	آیه نهم:
۳۲	آیه دهم:
۳۲	آیه یازدهم:
۳۳	شأن نزول:
۳۴	نکته ها:
۳۷	اهمیت نماز جمعه در احادیث
۳۷	اشاره
۳۸	الف - پاداش کسانی که به نماز جمعه می روند:
۳۸	حدیث اول:
۳۸	حدیث دوم:
۳۹	حدیث سوم:
۳۹	حدیث چهارم:
۳۹	حدیث پنجم:
۳۹	حدیث ششم:

۴۰ حدیث هفتم:

۴۰ حدیث هشتم:

۴۱ حدیث نهم:

۴۱ حدیث دهم:

۴۱ حدیث یازدهم:

۴۲ حدیث دوازدهم:

۴۲ حدیث سیزدهم:

۴۲ حدیث چهاردهم:

۴۲ حدیث پانزدهم:

۴۳ ب - نکوهش کسانی که به نماز جمعه نمی روند:

۴۳ حدیث اول:

۴۳ حدیث دوم:

۴۳ حدیث سوم:

۴۴ حدیث چهارم:

۴۴ حدیث پنجم:

۴۴ حدیث ششم:

۴۴ حدیث هفتم:

۴۵ آداب نماز جمعه

۴۵ اشاره

۴۵ الف - نظافت و آراستن خود

۴۶ ب - آمادگی قلبی

۴۷ ج - رعایت شرائط اخلاقی

۴۹ بخش دوم : نماز جمعه در قصص و حکایات

۴۹ اشاره

۵۱ توصیه امام خمینی (رحمه الله علیه) درباره نماز جمعه

۵۱ نخستین نماز جمعه در اسلام

۵۲ نماز جمعه حضرت علی (علیه السلام) در روز غدیر
۵۳ اقامه اولین نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب
۵۴ آیت الله العظمی خوانساری و نماز جمعه
۵۵ کار خوبی کردی، به نماز جمعه رفتی
۵۵ تمام این امور را وا می گذارم و به نماز جمعه می روم
۵۷ اولین شهید محراب جمعه
۵۸ دومین شهید محراب جمعه
۵۹ سومین شهید محراب جمعه
۶۰ چهارمین شهید محراب جمعه
۶۱ بخش سوم: فضائل و برکات نماز جماعت
۶۱ اشاره
۶۳ آثار و برکات نماز جماعت
۶۳ اشاره
۶۳ ۱. آثار معنوی
۶۴ ۲. آثار اخلاقی و تربیتی
۶۵ ۳. آثار اجتماعی
۶۶ ۴. آثار سیاسی
۶۶ اهمیت نماز جماعت در قرآن
۶۶ اشاره
۶۸ آیه اول:
۶۹ آیه دوم:
۶۹ اشاره
۷۰ شأن نزول:
۷۱ نکته ها:
۷۲ آیه سوم:
۷۲ اشاره

۷۲ شأن نزول:

۷۴ اهمیت نماز جماعت در احادیث -

۷۴ اشاره -

۷۴ الف - پاداش کسانی که در نماز جماعت حاضر می شوند:

۷۴ حدیث اول:

۷۵ حدیث دوم:

۷۵ حدیث سوم:

۷۶ حدیث چهارم:

۷۷ حدیث پنجم:

۷۸ حدیث ششم:

۷۹ حدیث هفتم:

۷۹ حدیث هشتم:

۸۰ حدیث نهم:

۸۰ حدیث دهم:

۸۰ حدیث یازدهم:

۸۱ حدیث دوازدهم:

۸۱ حدیث سیزدهم:

۸۲ حدیث چهاردهم:

۸۲ حدیث پانزدهم:

۸۲ حدیث شانزدهم:

۸۳ حدیث هفدهم:

۸۳ ب - نکوهش تارکین نماز جماعت -

۸۳ حدیث اول:

۸۵ حدیث دوم:

۸۵ حدیث سوم:

۸۶ حدیث چهارم:

- ۸۶ حدیث پنجم:
- ۸۷ حدیث ششم:
- ۸۷ حدیث هفتم:
- ۸۷ حدیث هشتم:
- ۸۸ حدیث نهم:
- ۸۸ حدیث دهم:
- ۸۹ بخش چهارم : نماز جماعت در قصص و حکایات
- ۸۹ اشاره
- ۹۱ توصیه امام خمینی (رحمه الله علیه) درباره نماز جماعت
- ۹۲ حکمت نماز جماعت
- ۹۳ اولین نماز جماعت در اسلام
- ۹۳ نماز جماعت در روز عاشورا
- ۹۴ نماز جماعت تو کفاره گناهانت است
- ۹۵ سفارش امام زمان به نماز جماعت
- ۹۶ نماز جماعت امام (رحمه الله علیه) در روز شهادت فرزندشان
- ۹۷ تقید رهبر معظم انقلاب به نماز جماعت
- ۹۷ نماز جماعت شیخ عباس قمی در مساجد متروکه
- ۹۸ نماز جماعت علامه طباطبائی (رحمه الله علیه)
- ۹۹ عظمت نماز جماعت
- ۹۹ امام خمینی (رحمه الله علیه) و اهمیت به نماز جماعت
- ۱۰۰ تقید آقا محمدعلی کرمانشاهی به نماز جماعت
- ۱۰۱ تجرد روح در نماز جماعت
- ۱۰۲ حکایتی از آیت الله حاج میرزا حسین یزدی
- ۱۰۳ نماز جماعت مؤسس حوزه علمیه قم
- ۱۰۴ حکایتی عجیب از آیت الله نجومی کرمانشاهی
- ۱۰۵ این مرد بزرگی است او را بیاورید

- ۱۰۷ ----- نماز جماعت در قهوه خانه مانع منکرات شد
- ۱۰۹ ----- صدای مؤذن که بلند می شد به مسجد می رفتم
- ۱۱۱ ----- زحمات ۶۰ ساله آیت الله مرعشی برای احیاء نماز جماعت
- ۱۱۲ ----- تقید شیخ جعفر کاشف الغطاء به نماز جماعت
- ۱۱۴ ----- حکایتی عجیب از شیخ عباس قمی
- ۱۱۵ ----- نماز جماعت بهجت عارفان
- ۱۱۶ ----- نماز جماعت ملا عباس تربتی
- ۱۱۷ ----- برگزاری نماز جماعت در روز حمله مأمورین به فیضیه
- ۱۱۹ ----- کتابنامه
- ۱۲۳ ----- درباره مرکز

فضائل و برکات نماز جمعه و جماعت در دنیا و آخرت : شامل آیات ، روایات ، قصص و حکایات

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : فضائل و برکات نماز جمعه و جماعت در دنیا و آخرت : شامل آیات ، روایات ، قصص و حکایات/محمد جواد مهری کرمانشاهی

مشخصات نشر : قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی انصاری، 1380.

مشخصات ظاهری : 94ص.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی : 2035118

خیراندیش دیجیتال : انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

فضائل و برکات نماز جمعه و جماعت

در دنیا و آخرت

شامل: آیات، روایات، قصص و حکایات

محمدجواد مهری

ص: 4

بخش اول: فضائل و برکات نماز جمعه

آثار و برکات نماز جمعه 17

اهمیت نماز جمعه در قرآن 22

آیه نهم: 22

آیه دهم: 22

آیه یازدهم: 22

شأن نزول: 23

نکته ها: 24

اهمیت نماز جمعه در احادیث 27

الف - پاداش کسانی که به نماز جمعه میروند: 28

حدیث اول: 28

حدیث دوم: 28

حدیث سوم: 29

حدیث چهارم: 29

حدیث پنجم: 29

ص: 5

حدیث ششم: 29

حدیث هفتم: 30

حدیث هشتم: 30

حدیث نهم: 31

حدیث دهم: 31

حدیث یازدهم: 31

حدیث دوازدهم: 32

حدیث سیزدهم: 32

حدیث چهاردهم: 32

حدیث پانزدهم: 32

ب - نکوهش کسانی که به نماز جمعه نمیروند: 33

حدیث اول: 33

حدیث دوم: 33

حدیث سوم: 33

حدیث چهارم: 34

حدیث پنجم: 34

حدیث ششم: 34

ص: 6

حدیث هفتم: 34

آداب نماز جمعه 35

الف - نظافت و آراستن خود 35

ب - آمادگی قلبی 36

ج - رعایت شرائط اخلاقی 37

بخش دوم: نماز جمعه در قصص و حکایات

توصیه امام خمینی (رحمه الله علیه) درباره نماز جمعه 41

نخستین نماز جمعه در اسلام 41

نماز جمعه حضرت علی (علیه السلام) در روز غدیر 42

اقامه اولین نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب 43

آیت الله العظمی خوانساری و نماز جمعه 44

کار خوبی کردی، به نماز جمعه رفتی 45

تمام این امور را وا میگذارم و به نماز جمعه میروم 45

اولین شهید محراب جمعه 47

دومین شهید محراب جمعه 48

سومین شهید محراب جمعه 49

چهارمین شهید محراب جمعه 50

ص: 7

بخش سوم: فضائل و برکات نماز جماعت

آثار و برکات نماز جماعت 53

1. آثار معنوی 53

2. آثار اخلاقی و تربیتی 54

4. آثار سیاسی 56

اهمیت نماز جماعت در قرآن 56

آیه اول: 58

آیه دوم: 59

شان نزول: 60

نکته ها: 61

آیه سوم: 62

شان نزول: 62

اهمیت نماز جماعت در احادیث 64

الف - پاداش کسانی که در نماز جماعت حاضر میشوند. 64

حدیث اول: 64

حدیث دوم: 65

حدیث سوم: 65

ص: 8

حدیث چہارم: 66

حدیث پنجم: 67

حدیث ششم: 68

حدیث ہفتم: 69

حدیث ہشتم: 69

حدیث نہم: 70

حدیث دہم: 70

حدیث یازدہم: 70

حدیث دوازدہم: 71

حدیث سیزدہم: 71

حدیث چہاردہم: 72

حدیث پانزدہم: 72

حدیث شانزدہم: 72

حدیث ہفدہم: 73

ب - نکوہش تارکین نماز جماعت 73

حدیث اول: 73

حدیث دوم: 75

ص: 9

حدیث سوم: 75

حدیث چهارم: 76

حدیث پنجم: 76

حدیث ششم: 77

حدیث هفتم: 77

حدیث هشتم: 77

حدیث نهم: 78

حدیث دهم: 78

بخش چهارم: نماز جماعت در قصص و حکایات

توصیه امام خمینی (رحمه الله علیه) درباره نماز جماعت 81

حکمت نماز جماعت 82

اولین نماز جماعت در اسلام 83

نماز جماعت در روز عاشورا 83

نماز جماعت تو کفار گناهانت است 84

سفارش امام زمان به نماز جماعت 85

نماز جماعت امام (رحمه الله علیه) در روز شهادت فرزندشان 86

تقیّد رهبر معظم انقلاب به نماز جماعت 87

نماز جماعت شیخ عباس قمی در مساجد متروکه 87

نماز جماعت علامه طباطبائی (رحمه الله عليه) 88

عظمت نماز جماعت 89

امام خمینی (رحمه الله عليه) و اهمیت به نماز جماعت 89

تقیّد آقا محمدعلی کرمانشاهی به نماز جماعت 90

تجرّد روح در نماز جماعت 91

حکایتی از آیت الله حاج میرزا حسین یزدی 92

نماز جماعت مؤسس حوزه علمیه قم 93

حکایتی عجیب از آیت الله نجومی کرمانشاهی 94

این مرد بزرگی است او را بیاورید 95

نماز جماعت در قهوه خانه مانع منکرات شد 97

صدای مؤذن که بلند میشد به مسجد میرفتم 99

زحمات 60 ساله آیت الله مرعشی برای احیاء نماز جماعت 101

تقیّد شیخ جعفر کاشف الغطاء به نماز جماعت 102

حکایتی عجیب از شیخ عباس قمی 104

نماز جماعت بهجت عارفان 105

نماز جماعت ملاّ عباس تربتی 106

برگزاری نماز جماعت در روز حمله مأمورین به فیضیه 107

کتابنامه. 109

ص: 12

فاطمة الزهراء (عليها السلام) بانوي بانوان دو جهان، عطای خداوند سبحان، کوثر پر بهای قرآن، کفو و همتای امیر مؤمنان (علیه السلام) و یکی از علل آفرینش عالم امکان.

در آل کسا محور، عزیز قلب پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، شفیعہ محشر، ولیة الله اطهر، و از یازده فرزند برتر، فاطمه الزهرا (علیها السلام) خاندانش منزل هل اتی، پدرش محمد مصطفی

(علیه السلام) همسرش علی مرتضی (علیه السلام)، پسرانش امام حسن مجتبی (علیه السلام) و امام حسین سیدالشهداء (علیه السلام)، دستش بوسه گاه رسول خدا (علیه السلام)، مهرش صفا بخش قلوب اولیاء، مودتش اجر رسالت خاتم انبیاء (صلی الله علیه و آله وسلم) و والاترین مدحش ام ابیها.

به ارواح بلند مرتبه خورشید قرن بیستم، بت شکن زمان امام خمینی (رحمه الله علیه) و حضرت آیات عظام عارفان گمنام سیدرضا بهاء الدینی و سید عبدالکریم کشمیری (رحمه الله علیه) تقدیم میگردد.

امید است خداوند متعال این اثر ناچیز را از حقیر قبول فرماید.

قم مقدس عَشَّ آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)

الراجی الی الله محمد جواد مهري 14 ذیحجه 1421 هـ.ق

بخش اول: فضائل و برکات نماز جمعه

اشاره

ص: 15

جمعه، روز اجتماع و میعاد جماعت است، بانگ آسمانی اذان، جان ها را از اشتغالات زمینی می کند و به سوی نور و فلاح به پرواز در می آورد.

مؤمنان از هر گوشه آنچه در دست دارند وامی نهند. از آلودگی ها غسل می کنند برای حضور در بارگاه محبوب خود را می آریند، برای دیدار با فرشتگان خود را خوشبو می سازند، چون رودی از هر کوی و برزن سرازیر می شوند و چون موجی به دریای جماعت جمعه می پیوندند.

بانگ تکبیر مؤذن، مؤمنان را فرا می خواند و عظمت تکبیر جان ها را فرا می گیرد و ایمان، حجاب روزمرگی را می درد و شعله می کشد و مؤمن در این شعله هر چه دارد می ریزد و می سوزاند و برهنه از همه پای بندی ها و سرشار از عشق و ایمان میشتابد و خود را نیز در امواج ایمان جمع، مستحیل می سازد، تا هیچ از خود نماند و سرا پا برای خدا خالص شود و در برابر خدا بایستد و نه با زبان خود، با زبان جمع خدا را بخواند و نه بقدر یک نفر که به ظرفیت یک اجتماع فیض بگیرد.

با صدا مؤذن، مؤمنان برای جهاد آماده می شوند، ابتدا از خود آغاز می کنند، مغازه را می بندند، از منافع مادی صرف نظر می کنند، راحتی خانه را پشت سر می نهند و همگان از هر سو می شتابند و به حاکم روی

می آورند و در صف قرار می گیرند و گوش به فرمان می مانند و از اخبار دور و نزدیک؛ و دشمن و دوست آگاه می شوند و بسیج شدن را در هر لحظه که لازم آید می آموزند و خدا را بر نعمت هایش سپاس می نهند و بر پیامبر و پیشوایان درود می فرستند و برای خود و مؤمنان آموزش می خواهند و تقوی و مراقبت بیشتر را آماده می شوند و تحکیم ارتباط با خدا را به نماز می ایستند.

جماعت جمعه؛ تجلی اسلام اجتماع است و پشتوانه استمرار حاکمیت حق و پذیرش مسئولیت جمعی در دفاع از حریم ایمان و عقیده اسلامی و تبلور پیوند حاکم و حکومت با فرد فرد مسلمانان، و ظهور پشتیبانی اجتماع از حکومت عدل و اوج دادن ایمان و معنویت جامعه در سیر به سوی خدا.

جماعت جمعه؛ هر هفت روز یکبار ارکان اسلام را به نمایش می گذارد. نماز اسلام را؛ که جماعت جمعه است، جهاد اسلام را؛ که بنیان صف آهنین نماز جمعه و تعلیمات سیاسی آن در مسیر جهاد است، حج اسلام را؛ که همان گستردگی و تعاون و همسانی حج را هر هفته به همراه دارد، خمس و زکات اسلام را؛ که مؤمنان را به گذشتن از تجارت و منافع فردی و با نیازهای جامعه آگاه می سازد، امر به معروف و نهی از منکر اسلام را؛ که این دو وظیفه بزرگ را ضرورت های نماز جمعه است و تولی و تبری اسلام را؛ که مؤمنان

صمیمانه و همسان و برابر کنار هم قرار می‌گیرند و با دریافت آگاهی‌های سیاسی برای مقاومت در برابر دشمنان اسلام آماده و یک جهت می‌شوند.

آری جماعت مظهر ارکان اسلام است و به این ترتیب؛ این اجتماع عظیم و پر شکوه می‌تواند منشأ برکات زیر شود:

الف: آگاهی بخشیدن به مردم در زمینه معارف اسلامی و رویدادهای مهم اجتماعی - سیاسی.

ب: ایجاد همبستگی و انسجام هرچه بیشتر در میان صفوف مسلمین، به گونه‌ای که دشمنان را به وحشت افکند و پشت آنها را بلرزاند.

ج: تجدید روح دینی و نشاط معنوی برای توده مردم مسلمان.

د: جلب همکاری برای حل مشکلات عمومی.

به همین دلیل همیشه دشمنان اسلام، از یک نماز جمعه جامع شرایط که دستورهای اسلامی دقیقاً در آن رعایت شود، بیم داشته‌اند.

و نیز نماز جمعه همیشه به عنوان یک اهرم نیرومند سیاسی در دست حکومت‌ها بوده است، منتها حکومت‌های عدل همچون حکومت پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از آن؛ بهترین بهره‌برداری‌ها را به نفع اسلام، و حکومت‌های جور همانند بنی‌امیه از آن سوءاستفاده برای تحکیم پایه‌های قدرت خود می‌کردند.

در طول تاریخ مواردی را مشاهده می کنیم که هر کس می خواست بر ضد حکومتی قیام کند، نخست از شرکت در نماز جمعه او خودداری می کردند، چنانکه در داستان عاشورا می خوانیم که گروهی از شیعیان در خانه «سلیمان بن صرد خزاعی» جمع شدند و نامه ای خدمت امام حسین (علیه السلام) از کوفه فرستادند که در نامه آمده بود «نعمان بن بشیر» والی بنی امیه بر کوفه، منزوی شده و ما در نماز جمعه او شرکت نمی کنیم، و چنانچه بدانیم به سوی ما حرکت کرده اید، او را از کوفه بیرون خواهیم کرد. (1)

در صحیفه سجادیه راجع به نماز جمعه و عید قربان می خوانیم:

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: خداوندا! این مقامی است که مخصوص خلفاء و برگزیدگان و امناء بلند پایه تو است که ویژه آنها نمودی و (خلفای جور بنی امیه) آن را به زور از اولیای حق گرفته و غصب کرده اند. (2)

از این رو، نماز جمعه در تاریخ اسلام پیوسته میعادگاه مسلمانان برای تصمیم گیری در امور، و مرکزی برای تجمع نیروها جهت مقابله با خطراتی که مسلمانان را تهدید می کرد بوده است.

پیشوای هشتم امام رضا (علیه السلام) در پاسخ کسی که پرسید: چرا در نماز

ص: 20

1- . تفسیر نمونه ، ج 24 ، ص 135.

2- . صحیفه سجادیه ، دعای 48 .

جمعه، خطبه واجب است؟ فرمود: زیرا جمعه زمان حضور همه است و خداوند خواسته برای امام وسیله ای باشد که مردم را پند دهد و به طاعت از خدا تشویق نماید و از نافرمانی او بهراساند و آنان را از مصالح دین و دنیایشان آگاه سازد، و به آنان از رویدادهای جامعه در زمان و مکان های مختلف سود و زیانی دارد خبر دهد. (1)

و در جای دیگر فرموده است: دو خطبه در نماز جمعه واجب شده تا یکی در حمد و ستایش خدای متعال و تمجید و تقدیس او باشد و دیگری برای بیان نیازها و مشکلات و بیم دادن و دعا و فرمان به مصالح و نهی از مفسد. (2)

این فواید و نظایر آن، که در برقراری قدرت اسلامی و استقلال و امنیت اجتماعی سهم بسزایی دارد، مصالحی است که برای بزرگداشت نماز جمعه در نظر گرفته شده و قرآن کریم با تأکید دستور می دهد، چون نماز بر پا شد، هرگونه کار و هدف شخصی را رها کنید و به سوی نماز جمعه بشتابید و با تعبیر <<ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ>> (3) مصالح و فوائد اجتماعی نماز جمعه را بر مصالح و اغراض شخصی ترجیح داده است.

ص: 21

1- . جامع الاحادیث للشیعه، ج 6، ص 89 .

2- . وسائل الشیعه، ج 5، ص 40 .

3- . این برایتان بهتر است، اگر بدانید.

گفتنی است که آیه نهم تا یازدهم سوره جمعه؛ مربوط به نماز جمعه است. (1)

آیه نهم:

<<يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.>>

ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که برای نماز جمعه، اذان گفته می شود به سوی ذکر خدا بشتابید، و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید.

آیه دهم:

<<فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.>>

و هنگامی که نماز پایان گرفت، شما آزادید در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی طلب کنید و خدا را بسیار یاد نمائید تا رستگار شوید.

آیه یازدهم:

<<وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ.>>

هنگامی که تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می شوند

ص: 22

و به سوی آن می روند و تورا ایستاده به حال خود رها می کنند، بگو آنچه نزد خداست بهتر است از لهُو و تجارت، و خداوند بهترین روزی دهندگان است.

شأن نزول:

در شأن نزول این آیات بالخصوص آیه: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً» روایات مختلفی نقل شده که همه آن ها از این معنی خبر می دهد که در یکی از سال ها که مردم مدینه گرفتار خشکسالی و گرسنگی و افزایش نرخ اجناس شده بودند.

دحیه کلبی (1) یکی از کافران بود، که اسلام اختیار کرد» با کاروانی از شام فرا رسید و با خود مواد غذایی آورده بود، در حالی که روز جمعه بود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مشغول خطبه نماز بود، طبق معمول برای اعلام ورود کاروان طبل می زدند و حتی بعضی، آلات موسیقی می نواختند، مردم با سرعت خود را به بازار رساندند، در این هنگام مسلمانانی که در مسجد برای نماز اجتماع کرده بودند، خطبه را رها کرده و برای تأمین نیازهای خود به سوی بازار شتافتند، تنها دوازده مرد و یک زن در مسجد باقی ماندند (آیه نازل شد و آن ها را سخت مذمت کرد).

ص: 23

1- . «دحیه» به فتح دال یا کسر آن خوانده شده است.

پیامبر فرمود: اگر این گروه اندک هم می رفتند، از آسمان سنگ بر آن ها می بارید. (1)

مرحوم مجلسی (رحمه الله علیه) می نویسد: در اینکه این سوره و این آیات درباره نماز جمعه است؛ تردیدی نیست و مفسرین شیعه و سنی بر همین مطلب اجماع دارند. (2)

نکته ها:

از این آیات؛ چند نکته استفاده می شود که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1. در آیه نهم؛ «نودی» آمده که به معنی بانگ برآوردن است و در این جا، به معنی اذان است، زیرا در اسلام ندائی برای نماز، جزء اذان نداریم، به این ترتیب هنگامی که صدای اذان نماز جمعه بلند می شود، مردم موظفند کسب و کار را رها کرده، به سوی نماز که بهترین یاد خداست بشتابند. (3)

2. مؤمنان را مخاطب قرار داده و این اشاره ای است که مؤمن از این فریضه بزرگ بهره مند می شود و مقتضای ایمان، انجام آن است، نه ترک یا سبک شمردن آن.

ص: 24

-
- 1- . تفسیر نمونه، ج 24، ص 125؛ المیزان، ج 19، ص 320.
 - 2- . بحار الانوار، ج 89، ص 124.
 - 3- . تفسیر نمونه، ج 24، ص 126.

3. از نماز جمعه به «ذکر الله» تعبیر فرموده است، تا اهمیت آن مورد توجه باشد.

4. در بعضی از روایات اسلامی در مورد نمازهای روزانه آمده است «هنگامی که نمازهای یومیه بر پا شود، برای شرکت در نماز ندوید و با آرامش گام بردارید».

ولی در مورد نماز جمعه؛ آیه نهم سوره جمعه، می گوید: «فأسعوا» بشتابید و عجله کنید. و این دلیل بر اهمیت فوق العاده نماز جمعه است. (1)

5. با آنکه کسب و تجارت در اسلام ارزشمند است، در جمله «وَذَرُوا الْبَيْعَ» تأکید می فرماید: خرید و فروش را رها کنید و به نماز جمعه بروید.

6. جمله «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ...» اشاره به این است که اقامه نماز جمعه و ترک کسب و کار در این موقع، منافع مهمی برای مسلمانان در بر دارد، اگر درست پیرامون آن بیندیشند و گرنه خداوند از همگان بی نیاز و بر همه مشفق است. (2)

7. در آیه نهم، که خرید و فروش را نهی کرده، خرید و فروش خصوصیتی ندارد، بلکه هر کاری که انسان را از عمل اجتماعی نماز جمعه و منافع مهم سیاسی و عبادی آن باز دارد، مورد نهی است و باید

ص: 25

1- . تفسیر نمونه، ج 24، ص 127.

2- . همان، ص 126.

بنابراین خرید و فروش مثال روشنی است از کارهایی که انسان را مشغول می سازد و از شرکت در فریضه پر ارج جماعت جمعه باز می دارد.

8. در آیه دهم، خداوند امر به انتشار در زمین و طلب روزی نموده که این امر وجوبی نیست، بلکه به اصطلاح «امر بعد از حَظْر» و نهی است و دلیل بر جواز می باشد و به این ترتیب می فرماید: هنگامی که نماز تمام شد، شما آزادید در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی «طلب روزی و کسب و تجارت، عیادت مریض، زیارت مؤمن، تحصیل علم و دانش» طلب کنید و خدا را بسیار یاد نمائید تا رستگار شوید. (1)

9. در آخرین آیه مورد بحث از کسانی که نماز را رها کرده و به خرید و فروش و یا کارهای بیهوده می پردازند، انتقاد شده و می فرماید: به آنها بگو نماز جمعه بهتر است از لَهو و تجارت.

10. جمله «وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» اشاره به این است که اگر کسی فکر کند با شرکت در نماز جمعه، به روزی و در آمدش لطمه ای وارد می شود، در اشتباه است، روزی دست خداست و کسی که روزی می خواهد بهتر است به سوی خیرالرازقین بیاید تا از فضل او بهره مند شود.

ص: 26

بهترین دلیل بر اهمیت این فریضه بزرگ اسلامی قبل از هر چیز؛ آیات سوره جمعه است که به همه مسلمانان و اهل ایمان دستور می دهد به محض شنیدن اذان جمعه به سوی آن بشتابند و هرگونه کسب و کار و برنامه مزاحم را ترک کنند. در احادیث اسلامی نیز تأکیدهای فراوانی در این زمینه وارد شده است

از جمله در خطبه ای که شیعه و اهل تسنن آن را از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل کرده اند آمده: «خداوند نماز جمعه را بر شما واجب کرده، هر کس آن را در احادیث من یا بعد از وفات من از روی استخفاف یا انکار ترک کند، خداوند او را پشیمان می کند و به کار او برکت نمی دهد. بدانید نماز او قبول نمی شود، بدانید زکات او قبول نمی شود. بدانید حج او قبول نمی شود، بدانید اعمال نیک او قبول نخواهد شد تا از این کار توبه کند»⁽¹⁾.

در روایات اسلامی برای برپا داشتن نماز جمعه و شرکت در آن بسیار سفارش شده است.

اهمیت نماز جمعه به حدی است که حتی زندانیان را با مراقبت برای شرکت در نماز جمعه می آورند و پس از نماز به زندان بر می گردانند.

ص: 27

لذا به جهت نشان دادن اهمیت این فریضه الهی به برخی از آن اخبار و احادیث اشاره می شود:

الف - پاداش کسانی که به نماز جمعه می روند:

حدیث اول:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «جمعه روزی است که خداوند اولین و آخرین را برای محاسبه در روز حساب، جمع می فرماید و هیچ مؤمنی نیست که با پاهای خود به نماز جمعه رود، مگر آنکه پس از خطبه، خداوند وحشت های قیامت را بر او آسان می سازد و آن ساعتی است (پس از خطبه) که خداوند بر مؤمنان رحمت می فرستد»⁽¹⁾.

حدیث دوم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «برای شما هر روز جمعه، یک حج و یک عمره است، حج به جهت شرکت در نماز جمعه، و عمره به جهت انتظار نماز عصر پس از نماز جمعه»⁽²⁾.

ص: 28

1- . جامع الاحادیث، ج 6، ص 182.

2- . بحار الانوار، ج 89، ص 214.

حدیث سوم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «شتاب بسوی نماز جمعه، حج فقیران امت من است». (1)

حدیث چهارم:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هیچ قدمی نیست که در راه نماز جمعه برداشته شود، مگر آنکه خداوند بدن آن را بر آتش حرام می سازد». (2)

حدیث پنجم:

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «فرشتگان مقرب خداوند هر جمعه فرود می آیند و کاغذهایی از نقره و قلم هایی از طلا همراه دارند، و درب مساجد روی تخت هایی از نور می نشینند و هر کس در نماز جمعه شرکت کند، به ترتیب ورود می نویسند تا آنگاه که امام جمعه بیرون آید و چون امام بیرون آمد، اوراقی که در دست دارند، فرو می پیچند». (3)

حدیث ششم:

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «خداوند جمعه را بر دیگر روزها برتری داده است؛ بهشت، روز جمعه برای کسانی که به سوی آن بیایند تزیین

ص: 29

1- . همان ، ص 197.

2- . جامع الاحادیث ، ج 6 ، ص 49.

3- . همان ، ص 45.

می شود و شما به همان اندازه که برای نماز جمعه از یکدیگر سبقت بگیرید، بسوی بهشت سبقت می گیرید و درهای آسمان (روز جمعه) برای بالا رفتن اعمال بندگان گشوده می شود» (1).

حدیث هفتم:

پیامبر (علیه السلام) فرمود: «وقتی شب معراج مرا به آسمان ها بردند، زیر عرش خدا، هفتاد هزار شهر را دیدم که هر شهری همانند دنیای شما بود و فرشتگانی را دیدم که بال هایشان را گسترده بودند و خدا را تسبیح و تهلیل می کردند و می گفتند خدایا کسانی را که به نماز جمعه حاضر می شوند، پیامرز خدایا کسانی را که روز جمعه غسل می کنند، رحمت کن» (2).

حدیث هشتم:

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت نموده که فرمود: سه چیز است که اگر مردم ثواب آن را می دانستند، بر سر کسب ثواب آن به منازعه برخاسته و سرانجام به قرعه کشی می پرداختند.

1. اذان .

2. رفتن به سوی نماز جمعه .

ص: 30

1- . همان ص 43.

2- . مستدرک الوسائل ، ج 6 ، ص 90.

حدیث نهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هرگاه روز جمعه شود، شیطان ها صبح زود با پرچم هایشان به بازارها می روند و به طرف مردم موانعی می افکنند و آنان را از آمدن به نماز جمعه باز می دارند». (2)

حدیث دهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هر کس ناخن ها و شارب خود را روز جمعه بگیرد و مسواک بزند، چون آهنگ نماز جمعه کند، بر سرش (به نیت غسل) آب بریزد. هفتاد هزار فرشته او را مشایعت و همراهی نمایند و تمام آنها برایش استغفار نموده و شفاعتش کنند». (3)

حدیث یازدهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هر کس وضو بگیرد و وضو را نیکو انجام دهد، سپس به نماز جمعه آید و نزدیک (امام) بنشیند و به (خطبه ها) گوش فرا دهد. گناهان وی در فاصله میان آن جمعه و جمعه دیگر و سه روز بیشتر از آن بخشیده شود». (4)

ص: 31

1- . همان ، ج 1 ، ص 37.

2- . کنز العمال ، ح 21168.

3- . مستدرک الوسائل ، ج 6 ، ص 89 .

4- . سنن ابن ماجه ، ح 1090 .

حدیث دوازدهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «مسلمان روز جمعه (همچون حج بیت الله) محرم به حساب می آید، اگر نماز جمعه را بگذارد، مُحْرَبٌ خواهد شد و چنانچه پس از نماز جمعه بنشیند تا نماز عصر را بخواند، به منزله کسی خواهد بود که حج و عمره را انجام داده است» (1).

حدیث سیزدهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هنگامی که هفتاد نفر از ما روانه نماز جمعه شوند، مانند هفتاد نفر موسی باشد که بر پروردگارشان وارد گردیده باشند یا برتر از آن ها» (2).

حدیث چهاردهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «آیا شما را از اهل بهشت آگاه نسازم؟ اهل بهشت؛ کسی است که گرما و سرمای شدید و گِل، او را از شرکت در نماز جمعه باز نمی دارد» (3).

حدیث پانزدهم:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «روز جمعه؛ ساعتی است که دعا در آن

ص: 32

1- . کنز العمال ، ح 21087 .

2- . همان ، ح 21043 .

3- . همان ، ح 21085 .

مستجاب است (فاصله پایانی خطبه تا ایستادن مردم در صف نماز است)» (1).

ب - نکوهش کسانی که به نماز جمعه نمی روند:

حدیث اول:

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «هر کس سه جمعه پیاپی نماز جمعه را بدون عذر ترک کند، منافق محسوب می شود» (2).

حدیث دوم:

پیامبر (علیه السلام) فرمود: «تحقیقاً مصمم بودم دستور دهم، مردی برای مردم امامت نماز جمعه نماید و سپس خانه های مردانی که از شرکت در نماز جمعه سرباز زنند، آتش زنم» (3).

حدیث سوم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هرکس سه نماز جمعه را بدلیل سبک شمردن و اهمیت ندادن به آن، ترک گوید، خداوند بر قلبش مهر می زند» (4).

ص: 33

1- . مستدرک الوسائل ، ج6 ، ص 41.

2- . همان ، ص9.

3- . کنز العمال ، ح 21131.

4- . همان ، ح 21133.

حدیث چهارم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: «جمعیت هایی که در مراسم جمعه حاضر نمی شوند، باید از این کار دست بکشند و گرنه خداوند بر دل هایشان مهر خواهد زد و از آن پس، از غافلان به حساب خواهند آمد». (1)

حدیث پنجم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «بنده ای که پیوسته نماز جمعه را سبک شمارد، به آنجا رسد که خداوند بر او خشم گیرد». (2)

حدیث ششم:

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «سه چیز است که اگر در رابطه با آن با پیشوایانمان به مخالفت برخیزید، نابود می شوید؛

1. نماز جمعه

2. جهاد با دشمن

3. مناسک حج». (3)

حدیث هفتم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هر کس ندای اذان نماز

ص: 34

1- . همان ، ح 21135.

2- . همان ، ح 21155.

3- . مستدرک الوسائل ، ج 6 ، ص 7.

جمعه را بشنود، نماز جمعه بر او واجب است» (1).

آداب نماز جمعه

اشاره

پیشوایان گرامی دین برای شرکت در نماز جمعه به آدابی دستور داده اند که برخی را ذکر می کنیم:

الف - نظافت و آراستن خود

1. «هشام بن حکم» از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود:

روز جمعه برای انجام نماز جمعه غسل کنید و خود را معطر سازید و محاسن خود را شانه بزنید و تمیزترین لباس خود را بپوشید و خود را بیارائید، و برای نماز جمعه آماده شوید و با وقار باشید و عبادت خدا را خوب بجا آورید و تا میتوانید کارهای نیکو انجام دهید. (2)

2. «سلمان فارسی» می گوید پیامبر (علیه السلام) فرمود:

ص: 35

1- . کنز العمال ، ح 211000.

2- . جامع الاحادیث ، ج 6 ، ص 54.

کسی که روز جمعه غسل کند و خود را پاکیزه سازد و با عطری که دارد معطر نماید و در نماز جمعه حاضر شود. و چون امام جمعه آمد به گفتار او گوش دهد، خداوند لغزش ها و گناه هفته او را از جمعه تا جمعه دیگر می آمرزد. (1)

و در روایتی دیگر فرمود:

کفاره لغزش های اوست، مادامی که از گناهان کبیره اجتناب نماید. (2) 1. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

دوست من جبرئیل گفت یک روز خود را معطر کن و روز دیگر واگذار، اما روز جمعه حتماً باید به خود عطر بزنی و ترک آن سزاوار نیست. (3)

2. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

روز جمعه با بهترین عطرهایتان خود را خوشبو سازید. (4)

ب - آمادگی قلبی

در برخی از روایات تأکید فرموده اند؛ مسلمانان از کارهایی که موجب بازماندن از نماز جمعه می شود اجتناب کنند.

1. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند: «هیچ یک از شما، پنجشنبه دوی مضعّف نخورد، شخصی پرسید چرا؟ امام فرمود: تا برای انجام نماز جمعه ناتوان نباشد». (5)

2. و نیز آن بزرگوار در نامه ای به «حارث همدانی» نوشت روز جمعه سفر مکن تا در نماز جمعه شرکت کنی، مگر آنکه (برای جهاد) در

ص: 36

1- . همان ، ص 53.

2- . مستدرک الوسائل ، ج 1 ، ص 407 ، ح 17.

3- . جامع الاحادیث ، ج 6 ، ص 227.

4- . همان ، ص 226.

5- . همان ، ص 57.

ج - رعایت شرائط اخلاقی

در برخی دیگر از روایات به نظم و انضباط و رعایت سکوت و آرامش بهنگام حضور در جماعت جمعه و استماع خطبه، سفارش شده است.

1. امام صادق (علیه السلام) از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل کرده اند: مردم در نماز جمعه بر سه رتبه اند:

اول آنکه؛ پیش از آمدن امام حاضر می شود و با سکوت و آرامش گوش فرا می دهد، این گونه شرکت در نماز، کفاره عمل از جمعه تا جمعه است به اضافه سه روز دیگر، زیرا خداوند فرمود (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا) (2)

یعنی اگر عمل روز جمعه بدرستی انجام شود، ثواب ده روز را دارد.

دوم آنکه؛ با سر و صدا و بی نظمی در نماز جمعه شرکت می کند، بهره ای جز این ندارد.

سوم آنکه؛ پس از شروع خطبه می آید (و به جای آنکه بنشیند و به خطبه گوش دهد) می ایستد و نماز می خواند، چنین کسی برخلاف سنت رفتار کرده است و در عین حال از خدا پاداش می خواهد، و

ص: 37

1- . همان ، ص 56.

2- . سوره انعام/160.

خداوند اگر بخواهد به او پاداش می دهد و اگر بخواهد محرومش می سازد. (1)

1. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرموده اند: وقتی امام خطبه می خواند رو به او بنشینید و به سخنان او گوش فرا دهید. (2)

2. و نیز فرموده اند: «هنگامی که امام جمعه خطبه می خواند، نباید حرف زد و نباید به سوی دیگر رو کرد، جز در مواردی که در نماز هم جایز است.

نماز جمعه دو رکعت است به جهت آنکه دو خطبه به جای دو رکعت سوم و چهارم آنست، و دو خطبه تا هنگامی که امام از منبر فرود آید، نماز است». (3)

ص: 38

1- . جامع الاحادیث، ج 6، ص 96.

2- . همان، ص 94.

3- . وسائل الشیعه، ج 5، ص 29.

بخش دوم : نماز جمعه در قصص و حکایات

اشاره

ص: 39

توصیه امام خمینی (رحمه الله علیه) درباره نماز جمعه

نماز جمعه نمایشی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است، باید هرچه شکوهمندتر و پرمحتواتر اقامه شود و ملت ما گمان نکنند که نماز جمعه یک نماز عادی است، نماز جمعه با شکوهمندی که دارد، برای نهضت کوتاه عمر ما پشتوانه ای محکم و در پیشبرد انقلاب اسلامی ما عامل مؤثر و بزرگی است. (1)

نخستین نماز جمعه در اسلام

در بعضی از روایات اسلامی آمده است که مسلمانان مدینه پیش از آنکه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هجرت کند با یکدیگر صحبت کردند و گفتند: یهود در یک روز هفته اجتماع می کنند (روز شنبه) و نصاری نیز روزی برای اجتماع دارند (یکشنبه)؛ خوب است ما هم روزی قرار دهیم و در آن روز جمع شویم و ذکر خدا گوئیم و شکر او را به جای آوریم، آنها روز قبل از شنبه را که در آن زمان «یوم العروبه» نامیده می شد، برای این هدف برگزیدند و به سراغ «اسعد بن زراره» (یکی از بزرگان مدینه) رفتند، او نماز را به صورت جماعت با آنها به جا آورد و به آنها اندرز داد و آن روز «روز جمعه» نامیده شد. زیرا روز اجتماع مسلمین

ص: 41

بود، «اسعد» دستور داد گوسفندی را ذبح کردند و نهار و شام همگی از همان یک گوسفند بود، چرا که تعداد مسلمانان در آن روز بسیار کم بود و این نخستین جمعه ای بود که در اسلام تشکیل شد.

اما اولین جمعه ای که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) با اصحابش تشکیل داد هنگامی بود که به مدینه هجرت کرد، وارد مدینه شد و آن روز، روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول هنگام ظهر بود، حضرت چهار روز در «قُبا» ماندند و مسجد قُبا را بنیان نهادند، سپس روز جمعه به سوی مدینه حرکت کرد و به هنگام نماز جمعه به محله «بنی سالم» رسید و مراسم نماز جمعه را در آنجا بر پا داشت و این اولین نماز جمعه ای بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در اسلام بجا آورد. خطبه ای هم در این نماز جمعه خواند که اولین خطبه حضرت در مدینه بود. (1)

نماز جمعه حضرت علی (علیه السلام) در روز غدیر

فیاض بن محمد در سال 259 هـ.ق در دیار طوس در سن نود سالگی روایت نمود که:

علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را در روز غدیری دیده است، در حالی که در محضر او گروهی از خواص یاران او حضور داشتند، آنحضرت آنها را برای افطاری نگه داشت و خوراک و گندم و هدایا و پوشاک،

ص: 42

1- . تقسیر نمونه ، ج 24 ، ص 130 .

حتی انگشتر و کفش نیز به منازلشان فرستاده بود...

حضرت (علیه السلام) از فضیلت آن روز و ریشه‌دار بودن آن یاد می‌فرمود؛ از جمله فرمود: «پدرم از جدم امام صادق (علیه السلام) از امام باقر (علیه السلام) از امام سجاد (علیه السلام) از امام حسین (علیه السلام) نقل می‌کرد که فرمود: در یکی از سال‌های عمر حضرت امیر (علیه السلام)؛ جمعه و غدیر در یک روز واقع شدند، حضرت علی (علیه السلام) پنج ساعت از روز گذشته، بر منبر رفت، حمد و ثنای بی سابقه‌ای برای خدا گفت، ثنائی که جزء خود حضرت (علیه السلام) کسی به آن روی نیاورده بود... سپس حضرت شروع به خطبه جمعه نمود و نماز جمعه خود را نماز عید خویش قرار داد و سپس در میان فرزندان و شیعیان خود به منزل امام حسن (علیه السلام) جهت صرف غذا برگشت و غنی و فقیر آنان با بخشش حضرت (علیه السلام) به سوی خانواده خود برگشتند. (1)

اقامه اولین نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب

روز جمعه، پنجم مرداد سال 1358 (سوم ماه مبارک رمضان 1399 قمری) اولین نماز جمعه در تهران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به امامت مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی در دانشگاه تهران برگزار شد، امام خمینی (رحمه الله علیه) چند روز پیش از این تاریخ این وظیفه را به

ص: 43

ایشان تکلیف کردند و دستور بر پایی و اقامه نماز جمعه را صادر فرمودند. واگذاری این تکلیف عظیم و سنگین توسط رهبر فرزانه انقلاب در حساس ترین برهه از زمان انقلاب بر عهده آیت الله طالقانی که همچون ابوذر، زبان گویایی حقایق و رسوا نمودن دشمنان انقلاب داشت، امر خطیری بود. (1)

آیت الله العظمی خوانساری و نماز جمعه

آیت الله سید حسین بدلا «یکی از یاران نزدیک حضرت امام» فرمودند: به یاد دارم، پس از پایان درس نماز جمعه آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری که امام و آیت الله اراکی هم شرکت می کردند، آقای خوانساری اعلام کردند که از این پس، نماز جمعه را اقامه می کنم، هر کس خواست شرکت کند و نماز جمعه را در مسجد امام حسن عسگری (علیه السلام) اقامه کردند و نمازهای دیگر هم تعطیل شد، حضرت امام (رحمه الله علیه) از کسانی بودند که مقتید بودند در این نماز شرکت کنند. (2)

ص: 44

1- . روزها و رویدادها ، ص 224.

2- . جلوه های حسینی در سیمای خمینی ، ص 73-74.

کار خوبی کردی، به نماز جمعه رفتی

سرکار خانم زهرا اشراقی، نوه حضرت امام (رحمه الله علیه) گفته است: آن زمان که در مراسم نماز جمعه بمب گذاری کرده بودند، من هم در مراسم نماز شرکت داشتم، مادرم و بقیه فامیل در خانه آقا بودند و همه نگران من بودند، چون خبری از من نشده بود، وقتی وارد خانه شدم دیدم، مادرم معترضانه گفت: تو چرا رفتی؟ تو که باردار بودی چرا رفتی؟ بخاطر بیچه ات هم که شده نباید می رفتی (البته قبلاً شایع شده بود که آن مراسم را صدامیان بمباران می کنند و یا بمب گذاری خواهند کرد) نگرانی مادرم هم از این جهت بود، ولی آقا که سر میز ناهار نشسته بودند با خنده ای به من گفتند: (سالمی) و من تشکر کردم، ایشان آهسته به گوش من گفتند: خیلی کار خوبی کردی که رفتی، خیلی ازت خوشم آمد که به چنین نمازی رفتی. (1)

تمام این امور را وا می گذارم و به نماز جمعه می روم

از مرد شایسته ای از سبب توبه او پرسیده شد، پاسخ داد: من مرد دهقانی بودم، شبی از شب ها بر من چند کار، گرد آمد، یکی آنکه محتاج بودم که زراعت خود را آبیاری کنم و بار گندم را به آسیاب برم و حمارم گم شد، پس با خود گفتم اگر به جستن الاغ مشغول

ص: 45

شوم، آب دادن زراعت فوت می شود و اگر به آب دادن زراعت مشغول شوم، حمار با گندم نابود می شود و آن شب، شب جمعه بود و بین ده من و مسجد جامع راه زیادی بود، با خود گفتم تمام این امور را می گذارم و به نماز جمعه می روم، پس رفتم و نماز جمعه را گذاردم، چون برگشتم و به زراعت خود رسیدم، ناگهان دیدم آن زراعت آب داده شده، پرسیدم چه کسی زراعت مرا آب داده، گفتند همسایه تو خواسته زراعت خود را آب دهد، خواب بر چشمان او غلبه کرده و آب به زراعت تو داخل شده، پس چون به در خانه رسیدم، دیدم حمارم بر علفگاه علف می خورد، گفتم این حمار را که آورده، گفتند گرگی بر او حمله کرده و او پناه به خانه ات آورده، پس چون داخل خانه شدم دیدم آردها در آنجا می باشد، گفتم سبب آوردن آردها چه بوده، گفتند آسیابان اشتباهاً آرد کرده، پس چون دانسته از تو است آنها را به خانه ات آورده>> (مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ لِلَّهِ لَهُ وَمَنْ أَصْلَحَ أَمْرًا أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أُمُورُهُ) >> هر کسی که برای خدا باشد خدا برای اوست و هرکس برای خدا امری را اصلاح نماید، خداوند برای او آمرزش را اصلاح می نماید. (1)

ص: 46

آیت الله سیداسدالله مدنی مجسمه تقوی و فضیلت و پارسایی که زهد و تقوای اوزبازند خاص و عام بود، در سال 1293 هـ.ش در شهر دهخوارقان «آزادشهر» در استان آذربایجان شرقی متولد شد، در آغاز سنین بلوغ، به قم عزیمت کرد و پس از گذراندن درس های مقدماتی، حدود چهار سال به تحصیل دروس فقه و اصول در محضر امام (رحمه الله علیه) مشغول شد، پنج سال بعد به نجف اشرف عزیمت کرد و همزمان با تحصیل به تدریس پرداخت، بدین سان که در جلسات دروس آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی و سید محسن حکیم و حاج سید ابوالقاسم خوئی شرکت نموده و ضمن تحصیل؛ نیز روزانه چند درس تدریس می کرد.

آیت الله مدنی اولین کسی بود که در جریان انقلاب سال 1343 شمسی مردم پیا خاسته کشورمان، در نجف از امام تبعیت کرد... پس از پیروزی انقلاب، بعد از شهادت آیت الله قاضی طباطبائی که امام جمعه تبریز بود، از سوی امام (رحمه الله علیه) به عنوان نماینده امام و امام جمعه تبریز انتخاب شد و در بیستم شهریور 1360 بعد از اقامه نماز در محراب نماز جمعه، به دست یکی از شقی ترین منافقین روزگار به شهادت رسید. (1)

ص: 47

آیت الله سید عبدالحسین دستغیب به سال 1288 شمسی در شیراز در یک خانواده روحانی که 800 سال سابقه علم و فضیلت داشتند پا به عرصه وجود نهاد، تحصیلات مقدماتی را در شیراز به اتمام رساند، در سال 1310 شمسی برای ادامه تحصیل راهی نجف شد و از محضر آیات حاج شیخ کاظم شیرازی، حاج سید میرزا اصطهباناتی و حاج میرزا علی آقا قاضی کسب فیض کرد و به درجه اجتهاد رسید، پس از مراجعت از نجف، ضمن اقامه نماز جماعت در مسجد جامع عتیق شیراز و ترویج و تبلیغ دین اسلام، به تحصیل و فراگیری علم و دانش ادامه داد و از محضر فقیه و عارف نامی، مرحوم آیت الله حاج محمدانصاری کسب فیض کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نمایندگی از مردم استان فارس در اولین مجلس خبرگان انتخاب و در همین ایام بنا به درخواست مردم و به فرمان امام (رحمه الله علیه) به سمت امام جمعه شیراز منصوب گردید و سرانجام روز جمعه 20 آذر 1360 در حالی که عازم نماز جمعه شیراز بود، در یکی از کوچه‌ها با انفجار بمبی توسط منافقین در سن 72 سالگی به شهادت رسید. (1)

ص: 48

آیت الله شیخ محمد صدوقی در سال 1327 هجری قمری در خانواده ای روحانی در یزد متولد شد، وی تحصیلات حوزوی را تا حدود لمعه و قوانین در مدرسه عبدالرحیم خان یزد به پایان رساند و در سال 1348 قمری جهت ادامه تحصیلات عازم اصفهان شد و سال بعد برای ادامه تحصیل به قم عزیمت، و حدود 21 سال جهت کسب علوم و معارف اسلامی و استفاده از محضر اساتید بزرگ در آن شهر اقامت گزید، در آغاز از محضر آیت الله شیخ عبدالکریم حائری چند سالی کسب فیض نمود ...

صدوقی در سال 1320 شمسی به یزد مراجعت کرد و بنا به پیشنهاد روحانیون سرشناس یزد در آن شهر ماندگار و به تدریس مشتاقان پرداخت ...

ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ 31 مرداد 1358 به عنوان امام جمعه یزد منصوب شده و در آخرین نماز جمعه اش که مصادف با دهم ماه مبارک رمضان 1402 (یازدهم تیر ماه 1360) بود، بعد از ادای نماز، منافقی قسی القلب به ایشان نزدیک شد و با به آغوش کشیدن آن پیر زاهد و منفجر کردن نارنجکی که در دست داشت، وی را به شهادت رساند. (1)

ص: 49

آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی در شعبان 1322 قمری (1281هـ-ش) در خمینی شهر (سده) اصفهان در خانواده ای روحانی، دیده به جهان گشود، دروس ابتدائی را در خمینی شهر آموخت و در 12 سالگی عازم اصفهان گردید و طی 10 سال دروس ادبیات و سطح و فقه و اصول و یک دوره خارج از فقه را در محضر آیات سید مهدی درچه‌ای، بروجردی، سید محمد نجف آبادی، فشارکی و مدرس گذراند. در سال 1343 قمری عازم قم گردید و از محضر آیات عظام شیخ عبدالکریم حائری، حجت کوه کمره‌ای، حاج سید محمد تقی خوانساری و سید صدرالدین صدر بهره‌های فراوانی برد، پس از مدتی، آیت‌الله العظمی بروجردی به وی دستور عزیمت به کرمانشاه و پذیرش مسئولیت نمایندگی خود را به ایشان دادند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در 14 ذی القعدة 1399 قمری طی حکمی از سوی امام خمینی (رحمه الله علیه) به سمت امام جمعه کرمانشاه منصوب شد، در نماز جمعه 23 مهر ماه 1361 هنگامی که خطبه اول نماز را آغاز کرده بود، یک نفر به طرف وی هجوم آورده، ایشان را در آغوش گرفت، بر اثر انفجار نارنجک، معظم له در حالی که به حالت سجده به زمین افتاده بودند، به شهادت رسیدند. (1)

ص: 50

بخش سوم: فضائل و برکات نماز جماعت

اشاره

ص: 51

برپایی فریضه های دینی به صورت دسته جمعی، غیر از پاداش های فراوانی که (ذکر می شود)، در زندگی فردی و اجتماعی امت مسلمان نیز، آثار مثبت و فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

1. آثار معنوی

بزرگترین اثر معنوی نماز جماعت، همان پاداش الهی است (که بزودی ذکر می شود).

روایت است که شبی، حضرت علی (علیه السلام) تا سحر به عبادت مشغول بود، چون صبح شده، نماز صبح را به تنهایی خواند و استراحت کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) که آن حضرت را، در جماعت صبح ندید به خانه او رفت، حضرت فاطمه O از شب زنده داری علی (علیه السلام) و عذر او از نیامدن به مسجد سخن گفت، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: پاداشی که بخاطر شرکت نکردن در نماز جماعت صبح، از دست علی (علیه السلام) رفت، بیش از پاداش عبادت تمام شب است. (1)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است: «اگر نماز صبح را به جماعت بخوانم، در نظرم محبوبتر از عبادت و شب زنده داری تا صبح است». (2)

ص: 53

1- . پرتوی از اسرار نماز، ص 211.

2- . همان .

بخاطر همین فضیلت و پاداش است که اگر تعداد نمازگزاران از ده نفر بیشتر شود، اگر تمام آسمان ها کاغذ و دریاها مرکب و درخت ها قلم شوند و فرشتگان نویسنده، پاداش یک رکعت آنرا، نمی توانند بنویسند. (1)

2. آثار اخلاقی و تربیتی

در نماز جماعت، افراد در یک صف قرار می گیرند و امتیازات موهوم صنفی، نژادی، زبانی، مالی و... کنار می رود و صفا و صمیمیت و نو دوستی در دل ها زنده می شود و مؤمنان با دیدار یکدیگر در صف عبادت، احساس دل گرمی و قدرت امید می کنند.

نماز جماعت عامل نظم و انضباط، صف بندی و وقت شناسی است. روحیه فردگرایی و انزوا و گوشه گیری را از بین می برد و نوعی مبارزه با غرور و خودخواهی را در بر دارد.

نماز جماعت، وحدت در گفتار، جهت، هدف را می آموزد و از آنجا که باید پرهیزکارترین و لایق ترین اشخاص، به امامت نماز بایستند، نوعی آموزش و الهام دهنده علم و تقوا و عدالت است.

نماز جماعت کینه و کدروت ها و سوءظن ها را از میان می برد و سطح دانش و عبودیت را در جامعه اهل نماز، افزایش می دهد.

ص: 54

بخاطر این همه آثار است که به نماز جماعت آن همه توصیه شده است، حتی نابینایی وقتی از حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) اجازه خواست که به مسجد نیاید، آن حضرت فرمود: از خانه تا مسجد، ریشمانی ببندد و به کمک آن خود را به نماز جماعت برساند. (1)

و نیز نابینایی که اجازه ترک شرکت در نماز خواستند رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) اجازه نفرمود. (2)

از طرف دیگر، برخورد شدید نسب به کسانی که به نماز جماعت اهمیت نمی دهند، نشان دیگری بر اهمیت و سازندگی آن است.

در حدیث است که به چنان کسان، همسر ندهید و معرف آنان نشوید. (3)

3. آثار اجتماعی

نماز جماعت، مقدمه وحدت صفوف و نزدیکی دل ها و تقویت کننده روح اخوت است.

نوعی حضور و غیاب بی تشریفات، و بهترین راه شناسائی افراد است.

نماز جماعت، بهترین، بیشترین و کم خرج ترین اجتماعات دنیاست

ص: 55

1- . پرتوی از اسرار نماز ، ص 213 ؛ داستانهایی از نماز جماعت ، ص 15 .

2- . همان .

3- . همان ؛ جامع الاخبار ، فصل 36 ، ص 93 .

و نوعی دید و بازدید مجانی و آگاهی از مشکلات و نیازهای یکدیگر و زمینه ساز تعاون اجتماعی بین آحاد مسلمین است.

4. آثار سیاسی

نماز جماعت، نشان دهنده قدرت مسلمین و الفت دل ها و انسجام صفوف است. تفرقه را می زداید، بیم در دل دشمنان می افکند، منافقان را مأیوس می کند، خار چشم بد خواهان است.

نماز جماعت، نمایش حضور در صحنه و پیوند امام و امت است.

اهمیت نماز جماعت در قرآن

اشاره

دین مبین اسلام، به جمعیت و اجتماع بسیار اهمیت داده و با تشریح نماز جمعه و ادای حج در روز معین و با تأسیس بسیاری از احکام و مقررات اجتماعی دیگر، وحدت کلمه و تألیف قلوب بین مسلمانان برقرار ساخته است.

به موجب آیه شریفه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (1).

ملل مسلمان باید اتحادی قوی داشته باشند و هرگز نگذارند تفرقه در میان ایشان راه یابد. همه افراد امت مسلمان، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را پدر خود می دانند و از این نظر با یکدیگر برادرند و از خوان نعمت

ص: 56

اسلام، برادرانه با هم بهره مند می شوند.

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) از آغاز بعثت نماز را به جماعت می گذاردند و اخبار و احادیث بسیار در فضیلت نماز جماعت وارد شده است.

هرگاه در آیات سوره فاتحه دقت کنید. در می یابیم که عبادت خود را به صورت جمعی به درگاه خدا عرضه می داریم و استعانت او را برای جمع می خوانیم و هدایت همه مسلمانان را به صراط مستقیم از خدای یگانه مسألت داریم.

در نماز جماعت، گروهی از مسلمانان، در صفوف منظم به امامی واحد اقتداء می کنند و با حرکتی همناخت به رکوع و سجود می روند و بر می خیزند و می نشینند. همگان متوجه یک قبله اند و جمیع مؤمنان که در یک نماز جماعت همدوش ایستاده اند با هم معراج دارند. کسانی که به نماز جماعت روی کرده اند. در شبانه روز سه بار یکدیگر را می بینند و از احوال هم با خبر می شوند و وجه مشترک آنان؛ نماز یعنی سردفتر همه عبادت ها است و در این عبادت همگی کوشش دارند که نهایت خلوص و توحید خود را به درگاه خدای واحد عرضه دارند.

چون نماز؛ عبادتی است که اگر مقبول افتد، همه عبادات دیگر مقبول درگاه حق خواهد بود و اگر مردود شود بر دیگر عبادات هم، مَهر رَدّ گذاشته خواهد شد. از این جهت نماز مفضَّل؛ نمازی است که

در مسجد و به جماعت گذارده شود.

شایان ذکر است که درباره نماز جماعت به سه آیه استناد شده است: (1)

آیه اول:

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ. (2)

و نماز را بپا دارید و زکات را ادا کنید و همراه رکوع کنندگان رکوع نمازید (و نماز را با جماعت بگذارید).

در آیه شریفه ؛ دستور اخیر اشاره به مسأله نماز جماعت است، ولی از میان تمام افعال نماز، تنها رکوع را بیان کرده و می گوید «با رکوع کنندگان رکوع کنید».

این تعبیر شاید به خاطر آن باشد که نماز یهود، مطلقاً دارای رکوع نبوده، این نماز مسلمانان است که یکی از ارکان اصلی آن، رکوع محسوب می شود. (3)

همچنین فاضل مقداد از جمله ی «و ارکعوا مع الراكعين»؛ امر به نماز جماعت را استفاده کرده است و گفته است: امر نسبت به جماعت جمعه عنوان وجوبی دارد و نسبت به نمازهای دیگر دارای عنوان

ص: 58

1- . احکام قرآن، ص 399.

2- . سوره بقره/43.

3- . تفسیر نمونه، ج 1، ص 209.

استجابی است.

حنابله (یکی از فرق اهل تسنن): جماعت در نماز را واجب می دانند. مدرک رأی آنها حدیثی است از پیغمبر که به هدم خانه کسی که در نماز جماعت حاضر نشود، دستور داده است.

اما باقی مذاهب، جماعت در نماز را سنت مؤکد شمرده اند. (1)

آیه دوم:

اشاره

وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخِذُوا أَسَدَ لِيَحْتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَ لَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ... (2)

و هرگاه (ای رسول گرامی در میدان جنگ) در میان سپاه اسلام باشی و برای آنها نماز (جماعت) بر پا داری، باید (مسلمانان به دو گروه تقسیم شوند نخست) دسته ای از آنها با تو (به نماز) برخیزند و باید سلاح های خود را با خود بگیرند (عده ای با حمل سلام با توبه نماز بایستند) و هنگامی که (این گروه سجده کردند) و رکعت اول نماز آن ها تمام شد، تو در جای خود توقف می کنی و آن ها با سرعت، رکعت دوم را تمام نموده و به میدان نبرد باز می گردند (و در برابر دشمن می ایستند) و آن دسته دیگر که نماز نخوانده اند و مشغول

ص: 59

1- . احکام قرآن ، ص 399 .

2- . سوره نساء/ 102 .

شأن نزول:

هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با عده ای از مسلمانان به عزم مکه وارد سرزمین حدیبیه شدند و جریان به گوش قریش رسید.

خالد بن ولید به سرپرستی یک گروه دویست نفری برای جلوگیری از پیشروی مسلمانان به سوی مکه، در کوه های نزدیک مکه مستقر شد، هنگام ظهر، بلال اذان گفت و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با مسلمانان نماز ظهر را به جماعت ادا کردند، خالد از مشاهده این صحنه در فکر فرورفت و به نفرات خود گفت در موقع نماز عصر که در نظر آن ها بسیار پر ارزش است و حتی از نور چشمان خود آن را گرامی تر می دارند، باید از فرصت استفاده کرد و با یک حمله برق آسا و غافل گیرانه، در حال نماز کار مسلمانان را یکسره ساخت، در این هنگام آیه فوق نازل شد و دستور نماز فوق را که از هر حمله غافل گیرانه ای جلوگیری می کند به مسلمانان داد.

و این خود یکی از نکات اعجاز قرآن است که قبل از اقدام دشمن، نقشه آنها را نقش بر آب کرد. و لذا گفته می شود خالد بن ولید، با مشاهده این صحنه ایمان آورد و مسلمان شد. (1)

ص: 60

1- . تفسیر نمونه ، ج 4 ص 99، به نقل از تفسیر تبیان ، ج 3 ، ص 311 .

در اینجا باید به سه نکته توجه داشت:

1. از مفاد این آیه شریفه، به اهمیت اجتماع پی می بریم، زیرا پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در حال جنگ هم، نماز را به جماعت گزارد و چنانکه در ترجمه گفتیم سپاه را به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول؛ نخستین رکعت را به جماعت ادا کردند و رکعت دوم را فرادا گزاردند. آنگاه گروه دوم؛ رکعت اول نماز خود را به جماعت خواندند و پیغمبر در رکعت دوم تأنی بکار برد تا در تشهد، دو گروه بهم پیوستند و نماز همه به جماعت خاتمه یافت. (1)

2. روشن است که منظور از بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در میان مسلمانان برای به پا داشتن نماز خوف، این نیست که انجام این نماز مشروط به وجود شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است، بلکه منظور وجود امام و پیشوائی برای انجام جماعت در میان سربازان و مجاهدان است و لذا حضرت علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) نیز نماز خوف بجای آوردند و حتی جمعی از فرماندهان لشکرهای اسلامی همانند حذیفه، این برنامه اسلام را (نماز جماعت به روش نماز خوف) به هنگام لزوم انجام دادند. (2)

3. می دانیم که نماز جماعت در اسلام واجب نیست، ولی از

ص: 61

1- . احکام قرآن ، ص 399 .

2- . همان ، ص 102 ، به نقل از کنز العرفان ، ج 1 ، ص 191 .

مستحبات فوق العاده مؤکد است و آیه فوق یکی از نشانه های زنده تأکید این برنامه اسلامی است که حتی در میدان جنگ برای انجام آن از روش نماز خوف استفاده می شود، این موضوع هم اهمیت اصل نماز و هم اهمیت نماز جماعت را می رساند.

آیه سوم:

اشاره

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (1)

هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید تا مشمول رحمت خدا شوید.

شأن نزول:

برای این آیه شریفه شأن نزول هایی ذکر کرده اند. از جمله اینکه ابن عباس و جمع دیگری گفته اند مسلمانان در آغاز کار، گاهی در نماز صحبت می کردند و گاهی شخص تازه وارد، به هنگامی که نماز را شروع می کرد از دیگران سؤال می کرد، چند رکعت نماز خوانده اید، آنها هم جواب می دادند فلان مقدار، آیه بالا نازل شد و آن ها را از این کار نهی کرد.

به هر صورت قرآن در آیه فوق دستور می دهد هنگامی که قرآن تلاوت می شود با توجه گوش دهید و ساکت باشید شاید مشمول

ص: 62

در اینکه آیا این سکوت و استماع به هنگام قرائت قرآن در تمام موارد است یا منحصر به وقت نماز و هنگام قرائت امام جماعت و یا به هنگامی که امام در خطبه نماز جمعه تلاوت قرآن می کند، در میان مفسران گفتگو بسیار است.

آنچه از ظاهر استفاده می شود این است که این حکم، عمومی و همگانی است و مخصوص به حال معینی نیست؛ ولی روایات متعددی نقل شده که استماع در همه حال واجب نیست، پس این حکم به صورت کلی یک حکم استحبابی است، تنها مواردی که این حکم الهی شکل و جوب به خود می گیرد، موقع نماز جماعت است که مأموم به شنیدن قرائت امام باید سکوت کند و گوش فرا دهد، حتی جمعی از فقهاء این آیه را دلیل بر سقوط قرائت حمد و سوره از مأموم دانسته اند.⁽¹⁾

لذا این آیه شریفه مبین یکی از احکام جماعت است که به موجب آن مأمومین باید در قرائت سکوت کنند و از امام متابعت نمایند و فقهای امامیه و حنفیه به آن سقوط قرائت از مأموم استدلال کرده اند، بخلاف علمای شافعی که قرائت برای مأموم را مستحب می دانند.⁽²⁾

ص: 63

1- . تفسیر نمونه ، ج 7 ، ص 69 ، ذیل آیه شریفه .

2- . احکام قرآن ، ص 399 و 400 .

اشاره

آئین اسلام، از بُعد اجتماعی مهمی برخوردار است و با عنایت به برکات، آثار وحدت و تجمع و یکپارچگی، در بسیاری از برنامه هایش بر این بعد، تکیه و تأکید کرده است.

برگزاری نمازهای روزانه واجب نیز به صورت جماعت و گروهی، یکی از این برنامه هاست.

نماز جماعت؛ غیر از آثار فردی و اجتماعی، پاداش های عظیمی برای آن بیان شده و تارکان آن مذمت شده اند، لذا جهت نشان دادن اهمیت این فریضه الهی به بعضی از آن روایات اشاره می شود.

الف - پاداش کسانی که در نماز جماعت حاضر می شوند:

حدیث اول:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) می فرماید: «خوشبخت سه نشانه دارد:

1. رزق حلال در وطن

2. همنشینی علماء

3. ادای نمازهای پنجگانه به جماعت

و علامت بدبخت سه چیز است:

1. حرام خوردن

2. دوری از علماء

ص: 64

حدیث دوم:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هر کس پنج وقت (یعنی نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء) نماز خود را با جماعت بخواند.

حق تعالی به او پنج چیز، عطاء فرماید:

1. روزی او را فراخ گردانند.

2. تنگی قبر را از او برطرف کند و قبرش را وسیع گردانند.

3. نامه عملش را بدست راستش مرحمت کند.

4. از پل صراط بگذرد، مثل برق جهنده.

5. و داخل بهشت شود، بدون حساب». (2).

حدیث سوم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «صفوف امت من در زمین چون صف های فرشتگان است در آسمان و یک رکعت نماز جماعت برابر بیست و چهار رکعت است که هر رکعت محبوب تر است نزد خدای تعالی از عبادت چهل سال، و روزی که حق تعالی اولین و آخرین را برای حساب جمع نماید، هر که قدم بسوی جماعت برداشته باشد، خداوند

ص: 65

1- . سخنان چهارده معصوم ، ص 156 .

2- . اثنی عشریه ، ص 408 ؛ چهارده اختران ، ص 45.

حدیث چهارم:

پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «آمد جبرئیل با هفتاد هزار فرشته بعد از نماز پیشین (نماز ظهر) و عرض نمود یا محمد! بدرستی که خدای تعالی تو را سلام می رساند و فرستاده است برای تو دو هدیه که نفرستاده آن را برای هیچ پیغمبری قبل از تو.

گفتم یا جبرئیل چیست آن دو هدیه، عرض کرد: نماز پنج وقت در جماعت.

گفتم: یا جبرئیل چیست از برای امت من در جماعت، گفت: یا محمد (صلی الله علیه و آله وسلم).

1. چون دو شخص باشند، بنویسد خدای تعالی از برای هر یک به هر رکعتی صد و پنجاه نماز.
2. و چون باشند سه شخص، بنویسد خدای تعالی از برای هر یک، به هر رکعتی دویست و پنجاه نماز.
3. و چون چهار شخص باشند، بنویسد خدای تعالی از برای هر یک، به هر رکعتی هزار و دویست نماز.
4. و چون پنج شخص باشند، بنویسد خدای تعالی از برای هر یک،

ص: 66

به هر رکعتی هزار و سیصد نماز.

5. و چون شش شخص باشند، بنویسد خدای تعالی از برای هر یک، به هر رکعتی دو هزار و چهارصد نماز.

6. و چون هفت شخص باشند، بنویسد خدای تعالی از برای هر یک، به هر رکعتی چهار هزار و هشتصد نماز.

7. و چون هشت شخص باشند، بنویسد خدای تعالی از برای هر یک، نُه هزار و ششصد نماز.

8. و چون نُه شخص باشند، بنویسد خدای تعالی از برای هر یک، نوزده هزار و دویست رکعت.

و چون زیاد شوند بر ؛ ده، اگر بگردد جمیع دریاهاى آسمان و زمین مرکب و درختان قلم ، و آدمیان و جنیان با فرشتگان نویسنده، قادر نباشند بر نوشتن ثواب یک رکعت. (1)

حدیث پنجم:

همچنین از آن حضرت است که جبرئیل عرض کرد یا محمد!

1. اگر تکبیره الاحرام را مؤمن با امام جماعت درک کند، بهتر است برای او از هفتاد حج و هزار عمره.

2. و یک رکعت نماز را که مؤمن به جماعت بخواند، برای او از

ص: 67

1- . جامع الاخبار، فصل 36 ، ص 89 ؛ پرتوی از اسرار نماز، ص 209 .

صد هزار دینار که در راه خدا تصدّق کند، بهتر است.

3. و یک سجده که بگذارد، بهتر است برای او از عبادت سالی.

4. و رکوعی که بگذارد آن را مؤمن با امام، بهتر است برای او از صد بنده که آزاد کرده باشد او در راه خدا.

5. و نیست «بر آنکه بمیرد بر سنت و جماعت» عذاب قبر و نه سختی روز قیامت.

6. هر که دوست دارد جماعت را، دوست دارد او را خدا و فرشتگان و آدمیان جمعاً. [\(1\)](#)

حدیث ششم:

پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به عثمان به مطعون فرمود: هر که نماز صبح را به جماعت بگذارد و بعد از آن بنشیند به تعقیب و مشغول ذکر الهی باشد تا آنکه طلوع کند آفتاب، حق تعالی در جنت الفردوس هفتاد درجه به او کرامت فرماید که از هر درجه تا درجه دیگر هفتاد سال راه باشد، به دویدن اسب تندرو.

ص: 68

1- . جامع الاخبار، فصل 36، ص 90؛ ثمرات الحیات، مجلس 35، ص 417.

و هرکه نماز ظهر را با جماعت بجا آورد، حق تعالی در جنت عدن پنجاه درجه به او عطا فرماید که میان هر دو درجه، پنجاه سال راه باشد به دویدن اسب تندرو. و هر که نماز عصر را به جماعت بخواند، چنان باشد که هشت نفر از فرزندان اسماعیل که ایشان صاحب خانه باشند از بندگی آزاد کرده.

و هرکه بگذارد نماز شام را به جماعت، مثل آنکه حجی نیکو و یک عمره مقبول کرده باشد (یعنی ثواب آن را برایش می نویسند).

و هرکه نماز خفتن (نماز عشاء) را به جماعت بخواند، مثل آنکه ليله القدر احیاء داشته است (یعنی ثواب عبادت شب قدر به او عطاء فرمایند). (1)

حدیث هفتم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «کسی که نماز صبح را به جماعت بخواند، گویا همه شب را در حال رکوع و سجود به سر برده است...». (2)

حدیث هشتم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هرکه با پای خود برای نماز جماعت به سوی مسجد برود، به هر گامی که بر می دارد هزار حسنه در نامه عملش می نویسد و هفتاد هزار درجه برایش عطاء کنند و اگر بر این عمل باشد تا بمیرد حق تعالی هفتاد هزار ملک بر او مؤکل فرماید که در قبر او

ص: 69

1- . جامع الاخبار، فصل 36، ص 91؛ عین الحیات، ص 575؛ عنوان الکلام، ص 52.

2- . سفینه البحار، ج 1، ص 177 .

راعبادت کنند و در تنهایی قبر مونس او باشند و از برای او استغفار نمایند تا از قبرش مبعوث شود».(1)

حدیث نهم:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر که نماز را با جماعت بخواند در امان خداست و هر که بر او ظلم کند، چنان است که بر خدا ظلم کرده است و هر که پیمان او را بشکند، پیمان خدا را شکسته است».(2)

حدیث دهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «سه چیز باعث رفع درجات می شود».

1. کامل ساختن وضو در هوای سرد.

2. انتظار کشیدن برای نماز.

3. در شب و روز قدم برداشتن به جهت نمازهای جماعت.(3)

حدیث یازدهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «یک نماز جماعت خواندن مردها، بهتر است از چهل سال نماز خواندن فردای در خانه. پرسیدند: آیا یک روز نماز؟

ص: 70

1- . عین الحیات ، مجلسی ، ص 576 .

2- . همان ، ص 576 .

3- . همان ، ص 576 .

فرمود: بلکه یک نماز». (1)

حدیث دوازدهم:

وارد شده (برای رفتن به نماز جماعت) به هر قدمی که شخص بر می دارد، هفتاد هزار حسنه نوشته می شود و هفتاد هزار سیئه محو می شود و هفتاد هزار درجه از برای او در بهشت بلند گردد و بعد از مردن او هفتاد هزار ملک به تشییع جنازه او حاضر شوند و او را مشایعت نمایند و در قبر انیس او باشند و در قیامت با او باشند تا داخل بهشت شود. (2)

حدیث سیزدهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «جبرئیل برای هفت عمل آرزو کرد که از بنی آدم باشد».

1. نماز جماعت

2. همنشینی با علماء

3. اصلاح بین مردم

4. نوازش یتیم

5. عیادت مریض

ص: 71

1- . ثمرات الحیات، ج 3، مجلس 35، ص 416؛ مستدرک الوسائل، ج 1، ص 488.

2- . عنوان الکلام، ص 263.

6. تشییع جنازه

7. آب دادن به حاجیان. (1)

حدیث چهاردهم:

امام باقر (علیه السلام) فرمود: سه چیز کفاره گناهان است:

1- کامل ساختن وضو در وقت های سرما.

2- رفتن در شب و روز به نمازها.

3- حفظ کردن جماعت ها. (2)

حدیث پانزدهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «همین که کسی برای شرکت در نماز جماعت از منزل خارج می شود یا در مسجد در انتظار نماز جماعت بسر می برد، پاداش کسی را دارد که در این مدت، به نماز مشغول بوده است». (3)

حدیث شانزدهم:

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هر که نمازهای پنج گانه را با جماعت ادا نماید، گمان نیک به او ببرید حق تعالی ده خصلت را به او کرامت می فرماید». (4)

ص: 72

1- سخنان چهارده معصوم، ص 307.

2- جامع الاخبار، فصل 36، ص 92.

3- کنز العمال، ج 8، ص 261.

4- عین الحیات، ص 576.

حدیث هفدهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: هر که توفیق ربانی شامل حال او شود، پنج وقت نماز را به جماعت بخواند، حق تعالی ده خصلت به او کرامت می فرماید.

1. برکت عمر باقی مانده

2. عصمت در مال

3. عصمت در اطفال

4. نامه به دست راست

5. مغفرت

6. به آسانی جان دادن

7. نور خیر

8. توفیق طاعت

9. نجات از دوزخ

10. کرامت بهشت. (1)

ب - نگویشی نازکین نماز جماعت

حدیث اول:

پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: جبرائیل و اسرافیل و میکائیل و عزرائیل آمدند،

ص: 73

بسوی من و با هر یک از آن ها ، هشتاد هزار ملک بود، گفتند: یا محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) خدا تو را سلام می رساند و می فرماید؛ برسان به امتان خود، هر که بمیرد و حال آنکه از جماعت مفارقت کرده باشد (یعنی تارک نماز جماعت باشد).

1. بوی بهشت را نمی شنود، اگرچه عملش از اهل زمین هم بیشتر باشد.
2. قبول نمی کنم از او هیچ امر واجب و مستحبی را.
3. ترک کننده جماعت، پیش من و جمیع ملائکه ملعون است.
4. در تورات و انجیل و زبور و قرآن او را لعنت کرده ام.
5. تارک جماعت، صبح را شام می کند، در لعنت خداست.
6. دعایش را مستجاب نمی کنم.
7. رحمت خود را بر او نازل نمی کنم.
8. آنهایی که تارک نماز جماعت هستند، یهودیان امت توأند و من امر کرده ام هر صاحب روحی او را لعنت کند.
9. ترک کننده نماز جماعت ، بدتر است از شراب خوار.
10. و بدتر است از آنکه منع می کند، طعام را از مردمان.
11. و بدتر است از آنکه می کشد، مردمان را به غیر حق.
12. و بدتر است از خورنده ربا (سود و نزول).
13. و بدتر از گور شکاف.

14. و بدتر است از سخن چین.

15. و بدتر است از گواه دهنده دروغ.

16. و ترک کننده جماعت نصیبی از بهشت ندارد.

17. هر که بمیرد در حالی که دوری کند، از جماعت داخل گردانم او را در دوزخ. (1)

حدیث دوم:

یک روز عبدالله بن مسعود به تکبیره الاحرام نماز نرسید، عرض کرد: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) اگر بنده ای آزاد کنم، به درک ثواب آن تکبیره الاحرام می رسم؟ فرمود: نه.

عرض کرد: اگر دو بنده آزاد کنم می رسم؟ فرمود: اگر تمام چیزهای دنیا را انفاق کنی، به درک ثواب آن نمی رسی. (2)

حدیث سوم:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: کسی که خانه اش نزدیک مسجد باشد، و سه روز متصل؛ به جماعت حاضر نشود:

1. خدا و ملائکه او را لعنت می کنند.

2. نماز و روزه و زکات و حج و جهاد او قبول نیست.

ص: 75

1- . ثمرات الحیات، ج 3، مجلس 35، ص 417؛ جامع الاخبار، فصل 36، ص 93.

2- . ثمرات الحیات، ج 3، مجلس 35، ص 417.

3. اگر مریض شد، به عیات او نروید.

4. اگر زن خواست، به او ندهید.

5. و اگر بمیرد، مرده است بمردن جاهلیت (کافر مرده است). (1)

حدیث چهارم:

یک نفر به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رسید و عرض کرد: من نابینا (یا شب کور) هستم، صدا اذان جماعت را می شنوم، ولی کسی نیست که دستم را بگیرد و مرا به جماعت برساند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: از منزل خود تا مسجد، طنابی ببند، هنگام جماعت، آن طناب را بگیر و با راهنمایی آن، خود را به مسجد برسان و در نماز جماعت شرکت کن. (2)

حدیث پنجم:

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «... آگاه باشید بر افراد منافق، نمازی سخت تر از نماز عشاء و نماز صبح نیست، اگر آن ها پاداش بسیار نماز صبح و عشاء را با جماعت در می یافتند، گرچه چهار دست و پا باشد، خود را به جماعت می رسانند». (3)

ص: 76

1- . همان؛ جامع الاخبار، فصل 36، ص 93 .

2- . داستان هایی از نماز جماعت، ص 15 .

3- . داستان هایی از نماز جماعت، ص 18 .

حدیث ششم:

امام باقر (علیه السلام) می فرماید که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بر همسایه های مسجد شرط کرد که نمازشان را در مسجد به جماعت بخوانند و فرمود قومی را که حاضر نمی شوند در نماز، آگاه کنید و یا مؤذنی را امر به اذان کنید، سپس به علی (علیه السلام) فرمود: باید بسوزانی با هیزم خانه کسانی را که در نماز جماعت حاضر نمی شوند. (1)

حدیث هفتم:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: نماز کسی که صدای اذان را بشنود و بی دلیل در نماز جماعت مسلمانان شرکت نکند، ارزشی ندارد. (2)

حدیث هشتم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: بر یهود و نصاری سلام کنید و به یهود امت من سلام نکنید، عرض کردند یا رسول الله! یهود امت شما کیست؟

فرمود: آنهایی که اذان و اقامه را می شنوند، ولی در نماز جماعت حضور پیدا نمی کنند. (3)

ص: 77

1- . لئالی الاخبار، ج 4، ص 205؛ عین الحیات، ص 576.

2- . پرتوی از اسرار نماز، ص 208.

3- . داستان هایی از نماز جماعت، ص 34.

حدیث نهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: با چهار کس حرف نزن (از جمله) مردی که از جماعت دوری کند... (1)

حدیث دهم:

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: کسی که همسایه مسجد است و در نماز جماعت مسجد شرکت نکند نمازی که در خانه می خواند قبول نیست. (2)

ص: 78

1- . نهج الفصاحه ، ص 219 ، ح 1224 .

2- . لئالی الاخبار ، ج 4 ، ص 206 .

بخش چهارم : نماز جماعت در قصص و حکایات

اشاره

ص: 79

«من تکلیفم را باید به شما بگویم، شما دانشگاهی ها، شما دانشجوها، همه تان مساجد را بروید پر کنید. سنگر است آن جا، سنگرها را باید پر کرد، محراب بهش می گویند آنجایی که حرب از آنجا شروع می شود (محل حرب).

امروزه و این عصر از همه روزها برای ما، و این وقت و این عصر، از همه وقت برای ما حساس تر است، برای اینکه همه چیز درست شده است و شیطان ها از اطراف جمع شده اند و می خواهند حالا که همه چیز درست و دارند مایوس می شوند، نگذارند کارها اجرا بشود، باز تهیه ببینند، ولو برای ده سال دیگر و چند سال دیگر تهیه ببینند، برای اینکه مسجدها را کم کم خالی کنند و آخوند مسجد را کنار بگذارند و یک کسی که وضو ندارد و به هیچ چیز هم معلوم نیست اعتقاد داشته باشد، بیاورند آنجا جای آخوند و نگذارند نمازش را بخواند و خالی کنند این سنگرها را، بعد از خالی کردن این سنگرها حمله کنند. این دژهای محکم را محکم نگاه دارید، نگویند که انقلاب کردیم، حالا باید فریاد بزنیم، نخیر نماز بخوانید از همه فریادها بالاتر است اجتماع کنید، نمازهای جمعه را باشکوه بجا بیاورید و نمازهای غیر جمعه را هم اهمیت بدهید، که شیطان ها از نماز می ترسند، از مسجد

حکمت نماز جماعت

شیخ الرئیس ابوعلی سینا برای شیخ ابوسعید ابوالخیر نامه ای نوشت و در آن این موضوع را مطرح نمود: چه لزومی دارد تا مردم همه در مسجد به جماعت اجتماع کنند؛ زیرا خداوند از رگ گردن به انسان نزدیکتر است، پس انسان هر کجا که باشد، اگر رابطه اش را با خدای خود برقرار سازد، نتیجه خواهد گرفت. شیخ ابوسعید ابوالخیر جواب نامه بوعلی سینا را نوشت و در آن نامه چنین مثال زد: اگر چند چراغ در جایی روشن باشد یا هر کدام تک تک در اتاقی در بسته باشند، در صورت اول اگر یکی از آن ها خاموش شود چراغ های دیگر روشن است، ولی در حالت دوم اگر یکی از چراغ ها خاموش شود آن اتاق تاریک می شود، انسان ها نیز همین گونه هستند، بعضی خطاکار و گنهکار هستند و اگر تنها باشند شاید موفق به فیوضات و برکات نور الهی نشوند، ولی اگر در اجتماع باشند و در ذکر و دعا و مناجات و نمازهای جماعت شرکت کنند، شاید خداوند به دعا و برکت وجود بعضی از افراد دیگر جماعت آن ها را نیز مشمول رحمت و برکت و فیوضاتش قرار دهد و این یک اثر از آثار مفید جماعت است. البته این

ص: 82

مطلب نشانگر یک بُعد از ابعاد بسیار زیاد جماعت می باشد.

در صورتی که اجتماع در مسجد و مکان های مذهبی از نظر ابعاد سیاسی، اجتماعی و عبادی، آثار و فواید فراوان دیگر نیز دارد. (1)

اولین نماز جماعت در اسلام

اولین نماز جماعتی که بر پا شد به امامت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و شرکت حضرت علی (علیه السلام) و جعفر طیار «برادر حضرت علی (علیه السلام)» بود و همین که ابوطالب، فرزندش علی (علیه السلام) را دید که به پیامبر اقتدا کرده، به فرزند دیگرش جعفر گفت: تو نیز به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) اقتدا کن و این جماعت دو سه نفری، پس از نزول آیه «فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» (2) بود که فرمان به علنی ساختن دعوت و تبلیغ می داد. (3)

نماز جماعت در روز عاشورا

مروست که روز عاشوراء هنگام زوال، ابو ثمامه صیداوی خدمت امام حسین (علیه السلام) عرض کرد: ای مولای من ما همه کشته خواهیم شد و وقت نماز ظهر داخل شده، پس نماز را بخوان (یعنی با جماعت) و گمان می کنم این آخرین نماز ما باشد، امید است خدای را ملاقات کنیم، با اداء فریضه ای از فرائض او در چنین موقف بزرگی.

ص: 83

1- . ارکان اسلام (نماز)، ص 23.

2- . سوره حجر/94 .

3- . پرتوی از اسرار نماز، ص 210، به نقل از وسائل الشیعه، ج 5، ص 373 .

امام (علیه السلام) سر به آسمان بلند کرد و فرمود: یاد نماز کردی، خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد. بلی اینک وقت نماز است. فرمود: اذان بگو. خدا تو را رحمت کند. و چون از اذان فارغ شد، امام (علیه السلام) فرمود: ای عمر (پسر سعد) آیا فراموش کردی شرایع اسلام را، آیا دست از جنگ بر نمی داری؛ تا نماز گذاریم آنگاه مشغول جنگ شویم؟

پس از آن، حضرت با اصحاب نماز خوف به جا آوردند، در حالی که زهیر بن قین و سعید بن عبدالله حنفی مقابل آن حضرت ایستادند و از هر طرف که تیر با نیزه به آن حضرت می رسید، آن ها خود را سپر قرار داده تا اینکه سیزده تیر به بدن سعید، سوای زخم های نیزه و شمشیر رسید و بر زمین افتاد و از دنیا رفت. (1)

نماز جماعت تو کفاره گناهاست

علی بن ابیطالب (علیه السلام) فرمود ما با پیغمبر (علیه السلام) در مسجد منتظر وقت نماز بودیم، پس مردی درخواست و عرض کرد: یا رسول الله! من به گناهی برخوردم. حضرت از او اعراض کردند، پس چون نماز را حضرت گذارد، آن مرد درخواست و قول خود را از سر گرفت، حضرت فرمود: آیا با ما این نماز را نخواندی و طهارت آن را نیکو نکرده ای، عرض کرد: آری حضرت فرمود: «فَأِنَّهَا كَفَّارَةٌ ذَنْبِكَ»،

ص: 84

پس آن نماز کفار گناه تو است. (1)

سفارش امام زمان به نماز جماعت

آیت الله العظمی مرعشی نجفی (رحمه الله علیه) برای یکی از خواص نزدیک خویش نقل کرده و اکیداً سفارش نموده بود که تا من زنده هستم برای کسی نقل نکن. در زمان اقامت در سامراء، چندی در سرداب مقدس شب ها بیتوته می کردم، شب های زمستان در اواخر یکی از شب ها که در سرداب مقدس بودم، ناگهان صدای پای شنیدم با آنکه در سرداب بسته بود، فوق العاده وحشت نمودم که شاید از مخالفین شیعه و دشمنان اهل بیت باشد، شمعی که با خود داشتم خاموش شده بود، اما صدا و لحن نیکویی به گوشم رسید که فرمود: «سلام علیکم» و نام مرا به زبان آورد. من جواب دادم و عرض کردم شما کی هستید؟ فرمود: یک نفر از پسرعموهای شما. عرض کردم در سرداب بسته بود، شما از کجا وارد شدید؟

فرمود: (الله علی کل شیء قدیر). عرض کردم اهل کجا هستید؟ فرمود: اهل حجاز هستم. فرمود: چرا در این وقت به این جا آمده ای؟ عرض کردم حوائجی دارم و به این جهت متوسل شده ام. فرمود: جزء یک حاجت، بقیه حوائج شما برآورده خواهد شد، پس از آن، سید

ص: 85

سفارش هایی کردند از جمله تأکیدهایی که به من کرد تأکید بر نماز جماعت بود، پس از آن ناگهان ناپدید شد و متأسفانه در وقت حضور او ندانستم که او آقا ولیعصر (عج) است. (1)

نماز جماعت امام (رحمه الله علیه) در روز شهادت فرزندشان

حجت الاسلام فرقانی گوید: بعد از شهادت حاج آقا مصطفی (رحمه الله علیه) همان روز، ظهر که صدای اذان بلند شد. امام بلند شد و تشریف برد وضو گرفت و فرمود: من می روم مسجد. گفتم: به یکی از خادم ها، که زود برو و به خادم مسجد بگو سجاده را پهن کند. او به مسجد رفت و دیده بود خادم نیست. و اصلاً کسی احتمال نمی داد امام آن روز با این عظمت و بزرگی مصیبت، برای اقامه نماز جماعت به مسجد بروند. وقتی مردم فهمیدند که امام به مسجد می آید، جمعیت یک دفعه از همه طرف به مسجد ریختند، ما وقتی به مسجد رسیدیم، مردم همه گریه می کردند چه گریه ای. امام وارد مسجد شدند. و این عرب ها تعجب می کردند و به همدیگر می گفتند: خمینی ابداً ما بیکی؛ خمینی ابداً گریه نمی کند. امام نماز را خواند و بعد از نماز جماعت، روضه خوانده شد و امام و همه حضار گریستند. (2)

ص: 86

1- . نماز خوبان ، ص 77 ، داستان 59 .

2- . سرگذشت های ویژه ، ج 1 ، ص 66 .

ایشان (آیت الله خامنه ای) از برنامه هایی که دارند و تقریباً می شود گفت هیچ گاه ترک نمی شود، این است که حداقل یک ساعت مانده به اذان صبح بیدار می شوند و تا اذان صبح به تهجد و شب زنده داری مشغولند، پس از آن نماز صبح را می خوانند، یکی از توفیقاتی که ایشان دارند این است که نمازهایشان همه به جماعت خوانده می شود، حتی نماز صبح. نماز صبح در درون خانه به جماعت خوانده می شود، نماز ظهر هم با شرکت تعدادی از ملاقات کنندگان و نیز افرادی که در دفتر هستند برگزار می شود. گاهی وقت ها هم بعضی از افراد از شخصیت ها و علمایی که از علاقمندان ایشان هستند و دوست دارند نماز را با ایشان بخوانند، ظهر یا شب برای حضور در نماز جماعت به آن جا می آیند. (1)

نماز جماعت شیخ عباس قمی در مساجد متروکه

مردم علاقمند بودند که لااقل یک فریضه خود را با مرحوم حاج شیخ عباس قمی (1293-1359 ه.ق) بجا آورند و به همین اندازه از فیض وجودش بهره مند شده باشند، یکی از عادات این مرد این بود که اغلب اوقات نماز خویش را در مساجد متروکه بجا می آورد. اتفاقاً

ص: 87

1- . روزنامه اطلاعات 9/10/77، به نقل از آقای محمدی گلپایگانی رئیس دفتر معظم له.

به محض اطلاع مردم روز به روز بر کثرت جمعیت افزوده می شد. تا بحدی که آن مسجد مورد علاقه مردم و به دست همان مردم، تعمیر می گردید. شیخ پس از انجام مقصودش، دیگر به نماز در آن مسجد حاضر نمی شد و مسجد متروکه و مخروبه دیگر را انتخاب می کرد و بدون اطلاع مردم چند نوبت اداء فریضه جماعت را در آن جا ادامه می داد. پس از چند روز مردم مطلع شده و از راه های بسیار دور برای درک نماز ایشان به آن مسجد می شتافتند و باز مسجد مخروبه دیگر معمور می شد. (1)

نماز جماعت علامه طباطبائی (رحمه الله علیه)

علامه تهرانی می گوید: این مرد (علامه طباطبائی) جهانی از عظمت بود، عیناً مانند یک بچه طلبه در کنار صحن مدرسه روی زمین می نشست و نزدیک به غروب در مدرسه فیضیه می آمد و چون نماز بر پا می شد مانند سایر طلاب نماز را به جماعت مرحوم آیت الله آقای حاج سید محمد تقی خوانساری می خواند، آنقدر متواضع و مؤدب و در حفظ آداب سعی بلیغ داشت که من کراً خدمتشان عرض کردم، آخر این درجه از ادب شما و ملاحظات شما، ما را بی ادب می کند. (2)

ص: 88

1- . نماز خوبان ، ص 100 ؛ داستانها و پندها ، ج 7 ، ص 72 .

2- . یادها و یادگارها ، ص 71 .

«مفتی اعظم مصر» می گوید: یکی از مستشرقین مشهور که در قاهره بود، روزی از یکی از مساجد که در آن نماز جماعت برگزار بود، بازدید کرد، ناگهان دیدم چهره اش تغییر کرد، پرسیدم: مشکلی پیش آمده است؟

گفت: نه! هیبت و عظمت این نماز و عبادت، تمام تنم را مرتعش کرد و از این همه هماهنگی و اتحاد تعجب می کنم. (1)

امام خمینی (رحمه الله علیه) و اهمیت به نماز جماعت

امام (رحمه الله علیه) می فرمود: در دوران رضاخان من از یکی از ائمه جماعت سؤال کردم، که اگر یک وقت رضاخان لباس ها را ممنوع کند و اجازه پوشیدن لباس روحانی ندهد، چه کار می کنید؟ او گفت: ما تو منزل می نشینیم و جایی نمی رویم.

گفتم: من اگر پیشنهاد بودم و رضاخان لباس ممنوع می کرد، همان روز با لباس تغییر یافته به مسجد می آمدم و به اجتماع می رفتم. نباید اجتماع را رها کرد و از مردم دور بود. (2)

ص: 89

1- . داستانهایی از نماز جماعت ، ص 125 .

2- . جلوه های حسینی در سیمای خمینی ، ص 69 .

آقا محمدعلی بهبهانی (معروف به علامه کرمانشاهی) فرزند وحید بهبهانی روز جمعه 26 ذیحجه سال 1144 هـ- در کربلا به دنیا آمد و در سال 1216 در کرمانشاه از دنیا رفت. مرقدش مشهور به سر قبر آقا، زیارتگاه آن سامان است، (سابقاً) محل عبور زائرین عتبات عالیات بوده. به او لقب صوفی گُش داده بودند، او معصوم علی شاه رهبر صوفیان را در خانه خود حبس کرده بود.

آقا محمدعلی کرمانشاهی اولین کسی است که از راه اِعمال ولایت فقیه حد جاری می کرد و بعد از او آقای شفتی در اصفهان حد جاری می کرد.

آقا محمدعلی مردم را مجبور می کرد به خواندن نماز و سایر احکام شرعیه «معروف است که گویند شخصی را در کرمانشاه دیدند که فریاد می زند خدایا داد ما را از آقا علی بگیر!، که در حق ما ظلم روا داشته (گفته شد چه ظلمی کرده است) گفت: ظلم از این بیشتر نیست که حکم کرده از هر خانواده دو نفر یک نفر به نماز جماعت حاضر شوند. (1)

ص: 90

1- . خیراتی، ج 1. برای آگاهی بیشتر از زندگانی آقا محمدعلی کرمانشاهی (کتاب پرچمدار معارف علوی در عصر قاجار)، تالیف نویسنده را ملاحظه فرمایید.

یکی از مجتهدین حوزه نجف و قم (که از شاگردان آیت الله سیدعلی قاضی (رحمه الله علیه) است) می فرمود: حدود سال 1360 هـ.ق. به اتفاق جمعی (حضرات آیات شیخ محمد آقا تهرانی، نصرالله مستنبط، میرزا علی همدانی، سیدحسن شالوی و آیت الله بهجت) و یک شخص کاسب به نام مشهدی حسن و اینجاب پیاده از نجف به قصد زیارت کربلا حرکت کردیم، در آن وقت همگی جوان و حضرت آیت الله بهجت هم هنوز ازدواج نکرده بودند، نماز مغرب و عشاء را در مسجد سهله به جای آوردیم و پیاده به سوی کربلا به راه افتادیم، نزدیکی صبح به منزل (منطقه) مصلی رسیدیم و آنجا خواستیم نماز صبح را اقامه کنیم، که همگی به حضرت آیت الله بهجت اقتدا کردیم، در نماز آقا سوره مبارکه «انا انزلناه فی لیلۃ القدر» را تلاوت فرمودند و من در صف دوم ایستاده بودم که در یک لحظه متوجه شدم که برای آقا حالت تجرّد روح ایجاد شده، و روح او در جلو، سوره قدر می خواند و جسم خود آقای بهجت نیز به او اقتدا کرده است، ما این قضیه را در سفر از ایشان دیدیم و معظم له در طول سفر کاملاً ساکت و مشغول ذکر بودند. [\(1\)](#)

ص: 91

در اوائل حکومت قاجاریه، حکومت استبدادی قاجار، یک شخص را برای استانداری شیراز انتخاب کرد. استاندار عده ای از رجال مملکت را در جشن دعوت کرد و یهودیان محل را نیز دعوت نمود و مجلس عیش و نوش و رقص و ساز و آواز تشکیل داد، یکی دو نفر از افرادی که در نماز جماعت آیت الله میرزا حسین یزدی شرکت می کردند، در آن جلسه شرکت نمودند، وقتی این خبر را به میرزا حسین یزدی رسانیدند، روز جمعه پس از نماز ظهر روی پله منبر نشست و بسیار گریست و گفت: شنیدم از مسجدی ها در جلسه عیاشی یهودیان شرکت نموده اند، اگر شما مسلمان هستید، چرا خلاف دستور خدا، رفتار می کنید. شما جان مرا به خطر انداختید و از دیشب خوابم نبرده است. دیگر طاقت نداشت نماز عصر را بخواند، از مسجد بیرون رفت و به بستر بیماری افتاد. طبیب به بالینش آوردند، گفت: خوب است او را به باغی از باغ های اطراف ببرید، آقا خیلی افسرده اند.

این مرد الهی از وحشتی که در مورد گناه مأمومین به جانش افتاده بود، بعد از اندکی با آن حال از دنیا رحلت نمود. (1)

ص: 92

آیت الله العظمی اراکی (رحمه الله علیه) می گوید: آن روزی که بنای کشف حجاب شد، رضاخان دستور داده بود افرادی که جزء رواساء بودند، مثل رئیس نظمیه و غیره، باید اول کشف حجاب کنند. هر شب نوبت یکی بود مثلاً امشب رئیس نظمیه، شب دیگر رئیس امنیه، شب دیگر شهرداری و هر شبی یکی بود، شب به شب، آن وقت زن آن رئیس مکشّفه می شد و اطراف او را زن ها می گرفتند. زمانی که آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری می خواست برای نماز مغرب و عشاء به حرم برود، در خیابان تظاهر می کردند که جای سوزن انداختن نبود. حاج شیخ طبق معمول هر شب باید از توی این جمعیت برای نماز مغرب و عشاء عبور کند و این مراسم مخصوصاً همان وقتی اجرا می شد که زمان عبور ایشان بود. خودش فرمود: من که دیدم این وضعیت است، فکر کردم رفتن به نماز مغرب و عشاء را ترک کنم. من که نمی توانم نهی از منکر کنم و باید از اینجا عبور کنم. و این ها هم سر راه من این کار را می کنند. اگر حرف بزدم تقریر می شود، می گویند پس این کارها را قبول کرده، اگر حرف بزدم، چطور با این شخص حرف بزدم، پس بهتر است که به نماز بروم. این چه نمازی است که من بروم. این فکر را با هیچکس در میان نگذاشتم. خودم عهد کردم که بروم. طرف عصر که در اطاق خوابیده بودم، دیدم در

باز شد و سیدی با محاسن بلند آمد و گفت: این نماز را ترک نکن، من به این جهت دلم محکم شد. (1)

حکایتی عجیب از آیت الله نجومی کرمانشاهی

قصه عجیبی را از مرحوم والدین نقل کنم، آن مرحوم از سادات بسیار جلیل القدر و از اتقیای زمان بود بطوری که خیلی ها درباره ایشان اعتقادی فوق عادی داشتند. شبی با ایشان بعد از نماز مغرب و عشاء از مسجد بیرون آمده، رو به منزل می رفتیم. ایشان جلو بنده و عصا به دست مبارکشان بود.

در تاریکی کوچه سگی بسیار پشمالو کنار دیوار نشسته بود که به مجرد رسیدن ما به آن محل، به مرحوم پدرم حمله کرد که ایشان با عصا؛ و بنده هم کمک نموده سگ را از خود رانندیم و از محل گذشته، به منزل آمدیم. شب دیگر باز هم از مسجد بیرون آمده از همان مسیر دیشب رو به منزل می آمدیم، گذرمان به همان محل و به همان سگ افتاد، و عجیب آن بود که بیشتر پشم سگ ریخته، پوست بدنش بطور زشتی نمایان و بسیار ناتوان در کنار دیوار نشسته بود، به محض رسیدن ما ناله ضعیفی نمود و هیچ حرکتی نکرد و من فوراً متوجه مطلبی و روایتی شدم و خیلی تعجب نموده، اما به روی مرحوم

ص: 94

پدرم نیاوردم. دیدم مرحوم پدرم هم که با آرامش و وقار در حرکت بودند. از جلو سگ که گذشتیم تکانی خوردند. آهسته و بسیار متعجبانه زیر لب عبارتی که ظاهراً چنین یادم می آید فرمودند: لا اله الا الله. حیوان بیچاره گر شد و بیش از این چیزی نگفتند، من فوراً فهمیدم اشاره می کنند به آنچه من نیز متوجه او گردیده بودم یعنی، اصالت سیادت ما به مقتضای روایت زید شهید که: ما عاوانا کلباً الاً وَقَدْ جَرَبْ؛ هیچ سگی بر ما پارس و هجوم نکرد، مگر آن که گر شد. (1)

این مرد بزرگی است او را بیاورید

حاج سیدهاشم، امام جماعت مسجد سردزک نقل کرد:

روزی در این مسجد، پدرم (مرحوم آقای حاج سیدعلی اکبر یزدی اعلی الله مقامه) می خواست نماز جماعت بخواند و من هم جزء جماعت بودم، ناگاه مردی در هیئت اهل دهات وارد شد و از صفوف جماعت عبور کرد، در صف اول پشت سر پدرم قرار گرفت، مؤمنین از اینکه یک دهاتی در محلی که باید جای اهل فضل باشد، آمده سخت ناراحت شدند، او اعتنایی نکرد، در رکعت دوم در حال قنوت قصد فرادی نمود، نمازش را تمام کرد، همان جا نشست و سفره ای که

ص: 95

1- . کیمیای هستی، ص 41. برای آگاهی بیشتر از زندگانی آیت الله نجومی (کتاب نگین کرمانشاهان)، تالیف نویسنده را ملاحظه فرمایید.

همراه داشت باز نمود و شروع به خوردن نان کرد. چون نماز تمام شد، مردم از هر طرف به او حمله کردند و اعتراض نمودند، او هیچ نمی گفت، پدرم متوجه مردم شد، گفت: چه خبر است؟ گفتند: امروز این مرد دهاتی جاهل به مسئله آمده، صف اول پشت سر شما اقتداء کرده، آنگاه وسط نماز قصد فرادی کرده و بعد نشسته چیزی می خورد. پدرم به آن شخص گفت: چرا چنین کردی. در جواب گفت: سبب آن را آهسته به خودت بگویم یا در این جمع بگویم. پدرم گفت: در حضور همه بگو. گفت: من وارد مسجد شدم به امید اینکه از فیض نماز جماعت با شما بهره ببرم، چون اقتدا کردم اواسط حمد دیدم شما از نماز بیرون رفتید و در این خیال واقع شدید که من پیر شده ام و از آمدن به مسجد عاجزم. الاغی لازم دارم که سواره حرکت کنم. پس به میدان الاغ فروش ها رفتید و خری را انتخاب کردید و در رکعت دوم در خیال تدارک خوراک الاغ و تعیین جای او بودید که من عاجز شدم و دیدم پیش از سزاوار نیست و نمی توانم با شما باشم، نماز خود را تمام کردم. این را گفت و سفره را پیچید و حرکت کرد پدرم بر سر خود زد و ناله نمود و گفت: این مرد بزرگی است، او را بیاورید که مرا با او حاجتی است، مردم رفتند که او را برگردانند، ناپدید گردید و دیگر دیده نشد. (1)

ص: 96

1- . نماز اول وقت ، ص 133، به نقل از داستانهای شگفت.

در آن زمان یکی از فرزندان مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (رحمه الله علیه) به نام حاج میرزا محمد معروف به آقازاده که در رتق و فتق امور وارد بود، نوکران متعددی داشت، هر کدام برای انجام کاری، یکی از نوکرانش مردی به نام حاجی علی اکبر که از همه (مشتی تر) بود و غالباً سلاح کمبری در زیر لباس داشت و محافظ آقا بود، این حاجی علی اکبر برای من که حسینعلی راشد هستم نقل کرد که در ایام زمستان برای سرکشی به املاک آقا به نیشابور رفته بودم، در مراجعه به مشهد، در راه، بین (شریف آباد) و مشهد برف گیر شدیم و در قهوه خانه (حوض حاج مهدی) ماندیم، نویسنده توضیح می دهد که در آن زمان راه مشهد به نیشابور یا تربت حیدریه از شریف آباد می گذشت و به شاه تقی می رسید و از راهی که در این زمان هست چند فرسنگ کوتاه تر بود، لکن از (کال طرق) به آن طرف کوهستانی بود، به همین جهت در زمستان و برف گاه ممکن بود که مسافران نتوانند به آسانی بگذرند، باری حاج علی اکبر می گفت غیر از ما جمعی دیگر نیز به همان قهوه خانه پناه آورده بودند. شب فرا رسیده بود که اتومبیلی از طرف مشهد رسید و چهار نفر از جوانان پولدار و خوشگذران مشهد که چهار خانم را با خود داشتند و نمی دانم به کجا می خواستند برای خوشگذرانی بروند به سبب برف و تاریکی

ناچار به همین قهوه خانه پناه آوردند، آمدن آنها در آن شب تاریک برفی در میان کوهستان ها، بزم عشرتی مجانی برای مسافران به وجود آورد، جوانان بطری های مشروب و خوارکی ها را چیدند و زن ها بعضی به خوانندگی و بعضی به رقص پرداختند.

در گرما گرم این بساط در قهوه خانه باز شد و مرحوم حاج آخوند با سه چهار نفر که از تربت به مشهد می رفتند و مرکبشان الاغ بود، از ناچاری برف و تاریکی شب رو به همین قهوه خانه آورده بودند و از صاحب قهوه خانه اجازه می خواستند که به آن ها جایی بدهد و او گفت سکوی آن طرف خالی است. حاج علی اکبر می گفت: من با مشاهده این وضع هراسان شدم و گفتم نکند یا از جانب حاج آخوند نسبت به این ها تعرضی بشود یا از جانب این ها به آن مرد اهانت شود، و آماده شدم که اگر خواستند به حاج آخوند اهانت کنند، در مقام دفاع برایم هر چه بادا باد.

لکن حاج آخوند وارد قهوه خانه شد، به طوری که گویا، نه کسی را می بیند و نه چیزی می شنود و به سوی آن سکورفت و چون نماز مغرب و عشاء نخوانده بودند، از قهوه چی پرسیدند قبله کدام طرف است؟ او سمت قبله را نشان داد. حاج آخوند به نماز ایستاد و آن چهار نفر به وی اقتدا کردند، یکی اذان گفت و حاج آخوند اقامه گفت و وارد نماز شدند، من هم غنیمت دانستم و وضو گرفتم و اقتدا کردم،

چند نفر دیگر نیز از مسافران از بزم عشرت رو برگردانده و به صف جماعت پیوستند، قهوه چی نیز گفت: غنیمت است یک شب اقلان نمازی پشت سر آخوند بخوانیم. خلاصه وقتی که از نماز فارغ گشتیم از جوان ها و خانم ها اثری نبود. بساط خود را جمع کرده بودند و نفهمیدیم در آن شب برفی به کجا رفتند. (1)

صدای مؤذن که بلند می شد به مسجد می رفتیم

مرحوم نراقی در خزائن از مؤتقین اصحابش نقل فرموده که گفت من در سن جوانی با پدرم و جمعی از رفقاء هنگام عید نوروز در اصفهان دید و بازدید می کردیم روز سه شنبه ای برای بازدید یکی از رفقاء که منزلش نزدیک قبرستان بود رفتیم، گفتند: منزل نیست، راه درازی آمده بودیم برای رفع خستگی و زیارت اهل قبور به قبرستان رفتیم و آنجا نشستیم، یکی از رفقاء به مزاح رو به قبر نزدیک مان کرد و گفت: ای صاحب قبر ایام عید است آیا از ما پذیرائی نمی کنی؟ ناگهانی صدائی از قبر بلند شد که هفته دیگر روز سه شنبه همین جا همه مهمان من هستید. همه ما وحشت کردیم و گمان کردیم تا روز سه شنبه بیشتر زنده نیستیم. مشغول اصلاح کارهایمان و وصیت و غیره شدیم، اما از مرگ خبری نشد.

ص: 99

1- . نماز اول وقت ، ص 115 ؛ به نقل از فضیلت های فراموش شده ، ص 127.

روز سه شنبه مقداری که از روز گذشت با هم جمع شدیم و گفتیم بر سر همان قبر برویم، شاید منظور مُردن نبوده، وقتی که سر قبر حاضر شدیم، یکی از ما گفت صاحب قبر به وعده خود وفا کن، صدائی بلند شد که بفرمایید. جلو چشممان عوض شد، چشم ملکوتی باز شد، دیدیم باغی در نهایت طراوت و صفا ظاهر شد و در آن نهرهای آب صاف جاری و درخت های مشتمل بر انواع میوه های جمیع فصول؛ و بر آن درختان، انواع مرغان خوش الحان و در میان آن به عمارتی رسیدیم، ساخته و پرداخته و در نهایت زینت، و اطراف آن به باغ گشوده، پس داخل آن عمارت شدیم؛ شخصی در نهایت جمال و صفا نشسته و جمعی ماهرو کمر خدمت او به میان بسته، چون ما را دید، از جا برخاسته، عذرخواهی کرد. انواع و اقسام شیرینی ها و میوه ها و آنچه که در دنیا ندیده بودیم و تصورش را هم نمی کردیم دیدیم. مقصود این جمله است که می فرماید وقتی که خوردیم، چنان لذیذ بود که هیچ وقت چنین لذتی را نچشیده بودیم و هرچه هم که می خوردیم سیر نمی شدیم، یعنی باز اشتها داشتیم، انواع دیگر از میوه ها و شیرینی ها آوردند، غذاهای گوناگون با طعم های مختلف، پس از ساعتی برخاستیم که ببینیم چه روی خواهد داد، آن شخص ما را مشایعت کرد تا بیرون باغ، پدرم از او سؤال کرد که شما کیستید که خدای تعالی چنین دستگاه وسیعی به شما عنایت کرده، که اگر تمام عالم را

بخواهید مهمانی کنید، می توانید و اینجا کجاست. فرمود: من هم وطن شمایم، من همان قصاب فلان محل هستم. گفتند: علت این درجات و مقامات چیست؟ فرمود: دو سبب داشت؛ یکی اینکه هرگز در کسبم کم فروشی نکردم و دیگر اینکه در عمرم نماز اول وقت را ترک نکردم. گوشت را در ترازو گذارده بودم، صدای الله اکبر مؤذن که بلند می شد، وزن نمی کردم و برای نماز به مسجد می رفتم و بعد از مردن این مکان را به من دادند و در هفته گذشته که شما این سخن را به من گفتید، مأذون به راه دادن نبودم و اجازه این هفته را گرفتم، بعد هر یک از ما، مدت عمر خود سؤال کردیم و او جواب می گفت. از آن جمله شخص مکتب داری را گفت، تو بیش از نود سال عمر خواهی کرد و او هنوز زنده است و مرا گفت تو فلان قدر و حال ده پانزده سال دیگر باقیست. خداحافظی کردیم و ما را مشایعت کرد.

خواستیم برگردیم ، ناگهان دیدیم در همان جای اولی سر قبر نشسته ایم. (1)

زحمات 60 ساله آیت الله مرعشی برای احیاء نماز جماعت

آیت الله مرعشی نجفی سخت مقید بود که نمازهای خویش را در وقت فضیلت و با جماعت برگزار کند، در برخی از یادداشت های

ص: 101

1- . ثمرات الحیات، ج 3 .

سال های قبل نوشته است: هنگامی که در قم سکونت کردم، صبح ها در حرم حضرت معصومه (علیها السلام) اقامه جماعت نمی شد و من تنها کسی بودم که این سنت را در آن جا رواج دادم و از شصت سال پیش به این طرف صبح زود و پیش از باز شدن درهای حرم مطهر و زودتر از دیگران می رفتم منتظر می ایستادم. این انتظار گاهی یک ساعت قبل از طلوع فجر بود، تا خدّام درها را باز کنند. زمستان و تابستان نداشت، در زمستان ها، هنگامی که برف همه جا را می پوشاند، بیلچه ای کوچک به دست می گرفتم و راه خود را به طرف صحن باز می کردم تا خود را به حرم مطهر برسانم و در آغاز، خود به تنهایی در حرم نماز می خواندم، تا پس از مدتی یک نفر به من اقتدا کرد و پس از آن کم کم افرادی دیگری اقتدا کردند و به این ترتیب نماز جماعت را در حرم مطهر آغاز کردم و تا امروز شصت سال از آن تاریخ می گذرد، ادامه دارد. آهسته آهسته ظهرها و شب ها نیز اضافه شد و از آن پس روزی سه بار در مسجد بالا سر حضرت معصومه (علیها السلام) و صحن شریف نماز جماعت را می خواندم. (1)

تقدیر شیخ جعفر کاشف الغطاء به نماز جماعت

شیخ جعفر کاشف الغطاء مرجع بزرگ و محقق عالی قدر شیعه در

ص: 102

1- . نماز خوبان، ص76، داستان58.

یکی از مساجد نجف اشرف اقامه نماز جماعت می نمود و در ظهر یکی از روزها، مردم به مسجد آمدند و در صفوف جماعت در انتظار آمدن آقا نشستند، ولی آمدن او طول کشید و آن ها برخاستند و نماز خود را فرادی خواندند، در بین نماز، شیخ جعفر به مسجد آمد و دید مردم فرادی نماز می خوانند، بسیار ناراحت شد و آن ها را سرزنش کرد و گفت: آیا در میان شما یک نفر مورد اطمینان نیست، که هرگاه من به مسجد نرسیدم به او اقتدا کنید و نماز جماعت بخوانید؟ در این حال چشمش به مرد تاجر نیکوکاری افتاد که دید گوشه ای از مسجد نماز می خواند، نزد او رفت و به او اقتدا کرد. مردم نیز به پیروی از شیخ صف ها را منظم کرده و به آن تاجر صالح اقتدا کردند. آن تاجر احساس کرد که شیخ و مردم به او اقتدا کرده اند، بسیار شرمنده شد، از طرفی شرعاً نمی توانست نماز خود را قطع کند. نماز را با زحمت به پایان رساند، بعد از نماز فوراً برخاست که به کناری برود، آمد که دست شیخ را ببوسد، شیخ دست او را گرفت و اصرار کرد که باید نماز عصر را نیز بخواند و او قبول نمی کرد. سرانجام شیخ گفت: یا باید نماز جماعت را تو بخوانی و ما به تو اقتدا کنیم و یا باید دو دست لباس شامی به این جا برای فقرا بیاوری.

آن تاجر با خوشحالی گفت: حاضرم که آن لباس ها را بیاورم و امامت نماز جماعت را قبول نکنم. شیخ گفت: باید قبل از نماز، آن

لباس ها را بیاوری. تاجر قبول کرد و شخصی را فرستاد و آن لباس ها را از مغازه اش به مسجد آورد. و شیخ جعفر آن لباس ها را میان فقرا تقسیم نمود، سپس برخاست و اقامه نماز جماعت کرد و مردم نماز عصر را به امامت شیخ بجای آوردند. (1)

حکایتی عجیب از شیخ عباس قمی

محدث بزرگ آیت الله حاج شیخ عباس قمی (1293-1359 هـ.ق) را به مشهد دعوت کرده بودند. شیخ در آن جا منبر می رفت و هر روز در مسجد گوهرشاد نماز جماعت می گذارد، جمعیت بسیار از مردم مشهد و زائران در جماعت او شرکت می نمودند. نماز مغرب خواند، پس از نماز مغرب، نماز عشاء را به جماعت نخواند و حرکت کرد. از علت این کار سؤال کردند، فرمود: وقتی که نماز مغرب می خواندم، صدای مکبر را از راه دور شنیدم که تکبیر می گفت. احساس کردم جمعیت خیلی زیاد است، اندکی که غرور به دلم راه یافت، بعد دیدم نماز عشاء را با این حالت بخوانم درست نیست، از این رو ترجیح دادم که نماز جماعت را ترک کنم. (2)

ص: 104

1- . داستانهایی از نماز جماعت ، ص 111 .

2- . حکایتهای شنیدنی ، ج 5 ، ص 18 .

ارتباط استوار آیت الله العظمی بهجت با خداوند متعال، ذکرهای پی در پی، بجا آوردن نوافل، شب زنده داری های کم نظیر ایشان بسیار درس آموز است، سال های سال است که نماز جماعت ایشان از پرشور انگیزترین، باصفاترین و روح نوازترین جماعت های ایران اسلامی است.

در این نماز؛ عالمان وارسته و خداجوی، کثیری از طلاب انقلابی خارج از کشور، بسیجیان رزمجو دلداده خدا، طلاب تقوی پیشه و دیگر قشرهای مردم شرکت می کنند. این نماز پر معنویت است که گاه با صدای گریه و آهنگ حزین این پیر فرزانه شکوه ویژه ای پیدا می کند و گاه صدای گریه آیت الله العظمی بهجت با گریه و ناله غم انگیز نمازگزاران همراه می شود.

در نماز ایشان روح ها به پرواز میاید، چشم ها به اشک می نشیند، فضای دل ها بارانی می گردد و گاه قطره های درشت اشک بر دامن سجاده ها می ریزد. چنین فضای معنوی و روح نوازی را تاکنون در هیچ نماز جماعتی ندیده ایم. بی جهت نیست که در مسجد ایشان بسیاری از اوقات جا برای نمازگزاران تنگ می شود و عده کثیری و حتی آنان که مشتاقانه و به امید کسب فیض از این نماز پر معنویت از راه های

دور آمده اند، مجبور به ترک مسجد می گردند. (1)

نماز جماعت ملاعباس تربتی

در سال 1318 هـ.ش از تهران برای دیدن پدرم، آیت الله حاج آخوند ملاعباس تربتی (1251-1322 هـ.ق) و مادرم به تربت رفتیم. پدرم از تربت چند سالی بود به کاریزک بازگشته بود و در ده زندگی آرامی را می گذرانید.

در بهار آن سال بارندگی زیاد شده بود و چون خانه های ده همه خشتی است، گنبدهای کوچک بسیاری از خانه ها خراب شده بود. از جمله مسجد ده که دارای چهار گنبد کم ارتفاع خشتی از این قبیل بود. سه تا از گنبدها به کلی فرو ریخته بود و از یکی دیگر، نیمی ریخته و نیمه دیگر آن باقی مانده بود.

به سبب پیش آمدهای آن چند سال، مردم تقریباً در همه جا نسبت به امور دینی کم اعتنا تر گشته بودند و از این رو هنوز کسی برای نوسازی مسجد اقدام نکرده بود و آواره های فرو ریخته، همچنان تپه خاکی در کف مسجد باقی بود. پدرم در زیر همان قسمت که نیمی از آن فرو ریخته بود. مقدرای از آوارها را کنار زده و حصیر را پاکیزه کرده بود و سه نوبت نمازش را می رفت و در همانجا می خواند. روزی

ص: 106

1- . دین ما علمای ما، ص 105 .

بعدازنهار می خواستم استراحت بکنم، پدرم برخاست و وضو گرفت و به مسجد رفت، من نیز غنیمت دانستم که نماز جماعتی پس از چند سال با آن مرد الهی بخوانم. وضو گرفتم و به مسجد رفتم. از جانبی وارد شدم که مرا ندید و آهسته جلو رفتم. در رکعت دوم نماز بود و خدا می داند که میان این نمازش در حال تنهایی در میان آوارهای فرو ریخته مسجد این ده، با نمازی که چند سال قبل در مسجد گوهرشاد (مشهد) به ایشان اقتدا کردم. و نیمی از مسجد گوهرشاد و تمامی یک شبستان از جمعیتی که به او اقتدا کرده پر بود. از لحاظ طمأنینه و قرائت و همه ذکرهای واجب و مستحب ذره ای تفاوت نداشت. (1)

برگزاری نماز جماعت در روز حمله مأمورین به فیضیه

آیت الله امینی می گوید: در آن روز، من ابتدا در مدرسه فیضیه بودم. وضع مجلس و مدرسه را غیرعادی دیدم. در وسط مجلس از مدرسه بیرون و به منزل امام خمینی رفتم، چند نفر دیگر از طلاب در حضور امام نشسته بودند. من وضع مدرسه را تعریف می کردم، در همین حال چند نفر از طلاب کتک خورده و زخمی وارد منزل امام شدند و جریان مدرسه را تعریف کردند که طلاب را زدند و کشتند و زخمی کردند.

ص: 107

1- . فضیلت‌های فراموش شده ، ص 136؛ نماز خوبان ، ص 103.

یکی از طلاب به امام عرض کرد اجازه بدهید در منزل را ببندند، مبادا به منزل حمله کنند. امام فرمودند: نه اجازه نمی‌دهم. یکی از علماء که از دوستان امام هم بود، در کنار ایشان نشسته بود، عرض کرد: پیشنهاد بدی نیست اجازه بدهید در را ببندند، خطرناک است. فرمودند: گفتم نه، اگر اصرار کنید از خانه خارج می‌شوم و به خیابان می‌روم، این چوب‌ها را باید به سر من زده باشند، به سر طلاب زده‌اند.

حالا من در خانه را ببندم، این چه حرفی است. بعداً رفتند وضو گرفتند و در وسط حیاط منزل با طلاب نماز جماعت خواندند و صحبت کوتاهی هم برای حاضرین کردند و فرمودند: اینها (رژیم شاه) تمام شدند، ریشه خودشان را کردند، خودشان را رسوا کردند، مگر با مدرسه فیضیه امام صادق (علیه السلام) می‌شود مخالفت کرد؟

این نماز در آن حال؛ و این صحبت‌ها در آن جوّ خفقان و ترس، قوّت همه طلاب و علماء و مبارزین بود. [\(1\)](#)

ص: 108

1- . سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام، ج 4، ص 113؛ نماز خوبان، ص 98.

1. طباطبایی بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه، قم، نشر الصحف، 1371ش/1413ق.
2. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، المطبعة الحیدریة، نجف اشرف - عراق.
3. تویسرکانی، محمدنبی بن احمد، لئالی الاخبار، قم: سال 1374 توسط انتشارات جهان.
4. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، 1408ق.
5. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم، اسوه.
6. مجلسی، محمدباقر، عین الحیات، انوارالهدی، قم، 1382ش.
7. سید محمود امامی اصفهانی، ثمرات الحیات، جهان زیان، سال انتشار: 1343.
8. شعیری، محمد بن محمد، کاشف الاستار، کتاب فروشی اسلامیة، تهران، 1388.
9. نهج الفصاحة، مجموع سخنان و خطبه های حضرت رسول اکرم، گروآورنده ابوالقاسم پاینده، تصحیح و تنظیم عبدالرسول پیمانی و محمدامین شریعتی، اصفهان، خاتم الانبیاء، 1383.1.

10. محمد بن محمد بن الحسن الشهير بابن قاسم الحسيني العاملي، اثني عشرية في المواعظ العددية، پديد آور اصلي: عيناثي، محمد بن محمد، قرن 11 ق.
11. متقى، على بن حسام الدين دمياطي، محمود عمر، كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال، دار الكتب العلمية.
12. علامه مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسة الوفاء، 1403 ق.
13. حرّ عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم، آل البيت، 1414 ق. 15
14. مكارم شيرازي ناصر با همكاري جمعي از نويسندگان، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1354 - 1387 ش.
15. صحيفه سجاديه، ترجمه اسدالله مبشري، تهران: نشر ني، 1370.
16. گروه حديث پژوهشكده باقرالعلوم، فرهنگ جامع سخنان امام حسين عليه السلام: ترجمه كتاب موسوعه كلمات الامام الحسين عليه السلام، مترجم على مويدي، شركت چاپ و نشر بين الملل، سال نشر 1392.16.
17. حسيني، سيد نعمت الله، جلوه هاي حسيني در سيمای خميني، انتشارات قم، سال 1378.

18. فشارکی، محمدباقر، عنوان الکلام، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
19. مشکینی، علی، احمد جنتی نصایح: سخنان چهارده معصوم (ع) و هزار و یک سخن، انتشارات الهادی، سال 1397.
20. قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
21. علی میرخلف زاده، داستان‌هایی از نماز جماعت، قم: مهدی یار، 1379.
22. غفاری، محسن، ارکان اسلام شامل: آیات، روایات، قصص و حکایت: اصول دین (جلد 1)، انتشارات پیام آزادی، سال 1379.
23. مقدم، محمدتقی، سرمایه سعادت و نجات، سال چاپ: 1369.
24. احمدپور ترکمانی، علی، نماز خوبان: حکایات و داستان‌هایی از دانشمندان و فرزندگان، انتشارات مشهور، سال 1390.1.
25. خمینی، روح الله، امام در سنگر نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز و احیای زکات، سال 1391.
26. زمانی وجدانی، مصطفی، داستانها و پندها (5 - 1)، انتشارات پیام عدالت، سال 1385.

27. تاجدینی، علی، یادها و یادگارها: خاطراتی از عارف و مفسر قرآن علامه طباطبائی، انتشارات پیام نور، سال 1375.
28. تاج لنگرودی، محمدمهدی، دین ما علمای ما، دفتر نشر ممتاز، سال 1374.
29. موسسه تحقیقاتی فرهنگی اهل بیت (ع)، فریادگر توحید: نگاهی به زندگی عارف کامل حضرت آیت الله العظمی بهجت، انتشارات انصاری، سال 1383.
30. نصیری، ابوطالب، آثار و برکات نماز اول وقت، انتشارات مشهور، سال 1393.
31. راشد، حسینعلی، فضیلت های فراموش شده: شرح حال حاج آخوند ملاعباس تربتی، تهران، 1380 ش.
32. محمدی اشتهاوردی، محمد، حکایتهای شنیدنی (شامل 503 داستان)، انتشارات علامه، سال 1383.
33. وجدانی، مصطفی، سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی (ره)، انتشارات پیام آزادی، سال 1378.1. 34. دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، روزها و رویدادها، انتشارات رامین، سال 1381.
35. قدس میرحیدری، سید جعفر، اختران همیشه جاوید: زندگانی چهارده معصوم علیه السلام، انتشارات تهران، سال 1386.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

